



درس اول : هدف آفرینش

نکته : کلیم بودن خداوند ^{موجب} فطور هدف در پس خلقت هر موجد و عدم بیهودگی آفرینش
 فوق بودن آفرینش
 خلق هر موجد بر اساس برنامه‌ای حساب شده

"وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ"

- ۱- بازی و سرگرمی نبودن آفرینش و عدم بیهودگی آن (لاعبین) معلول
 ۲- هدفمندی خلقت و حضور هدفی حکیمانه در پس خلقت هر موجود (حق) علت
 نتایج حضور حکمت الهی در آفرینش

امام علی (ع): "هیچ کس بیهوده آفریده نشده تا خود را سرگرم کارهای لهو کند..."

نکته + : اگر در هر آیه‌ای برای پیروی، کلمات حق، باطل، عبث به کار رفت : الف) فطور حکمت الهی
 ب) هدفمندی و عدم بیهودگی آن پیرو
 حق باطل، عبث، لاعبین

* تفاوت رسیدن انسان به اهدافش با گیاهان و حیوانات:

- ۱- انسان خود اهداف را انتخاب می‌کند، گیاهان طبیعی، حیوانات غریزی
 ۲- بی‌نهایت طلبی انسان ^{موجب} به دنبال اهداف پایان ناپذیر باشد. حیوانات و گیاهان اهداف محدود دارند که به سر حد کمال برسد پایان می‌یابد.
 ۳- اهداف انسان در جهت شکوفایی استعدادهای متنوع مادی و معنوی اوست.

نکته : منشأ اختلاف در اهداف انسان‌ها، نوع بینش و نگرش آنهاست.

* برای انتخاب هدف صحیح : الف) ارزش اهداف مشخص شود. ب) رتبه‌بندی گردند. به دست آوردن معیار و ملاک برای تشخیص هدف درست

- اهداف فرعی —————> پایان پذیر —————> مال و ثروت
 - اهداف اصلی —————> پایان ناپذیر —————> خیر خواهی
 هر دو ضروری برای زندگی

نکته : هدف فرعی را نباید به پای هدف اصلی قرار دهیم (در اهداف فرعی)



"چون که صد آمد نود هم پیش ماست"

* افراد زیرک —————> با بندگی خدا ^{هم} از بهره‌های مادی زندگی استفاده می‌کنند
 سرای آخرت خویش را آباد می‌کنند.

"مَنْ كَانَ يُرِيدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ"

- ۱- هر چه هدف جامع‌تر —————> در برگیری اهداف بیشتر
 ۲- رسیدن به خدا موجب تحقق تمام اهداف دنیوی و اخروی است —————> زیرا سرچشمه همه‌ی کمالات است.

ای دست نگر بهتر با نگر نکرده
 خبی قر بهتر با نگر نکرده
 رسیدن به خدا همت بزرگ و اراده
 محکم می‌طلبد

درس دوم: پرپرواز

- اولین گام برای حرکت به سمت هدف خلقت ← شناخت سرمایه‌ها و موانع انسان است. (علت)

- خودشناسی از سودمندترین دانش‌هاست (معلول)

سرمایه‌های انسان

خداوند با دادن نعمت‌های مادی و معنوی به انسان → او را گرامی داشته و به او کرامت بخشیده است. - جایگاه ویژه انسان آنچه در آسمان و زمین است برای انسان آفریده است.

مسیر درست زندگی را از راه‌های غلط و خوب را از بد تشخیص دهیم

۱- قوه عقل

حقایق را دریابیم و از جهل دوری کنیم
درست و حق را از نادرست و باطل تشخیص دهیم
منع از خوشی‌های زودگذر

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

مسئولیت در مقابل سرتوشت

۲- قوه اختیار

انتخاب راه رستگاری و دوری از شقاوت (با کمک قوه عقل)

"وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا"

شناخت و روی آوردن به نیکی و شناخت و دوری از بدی
دوست داشتن فضائل و بیزارى از رذائل

۳- گرایش به نیکی

واکنش در مقابل گناه ← که عامل آن گرایش به نیکی است

"وَلَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ"

سرزنش خود بعد از ارتکاب گناه

۴- نفس لوامه

در اندیشه جبران برآمدن

- وجدان

بازداری از راحت طلبی

پیامبران - پیشوایان - کتاب

۵- فرستادگان

نشان دادن راه سعادت

کمک در پیمودن آن

"رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ..."

"وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ"

نکته: حرف و مسیر حرکت هر کس با توانایی‌ها و سرمایه‌هایش هماهنگی دارد. ← حرف ما باید به وسعت سرمایه‌هایمان باشد

موانع انسان

عامل درونی گناه و میل سرکش انسان

۱- نفس اماره

دعوت به گناه

کار { مانع پیروی از عقل و وجدان

عامل بیرونی گناه

خود را برتر از آدمیان می‌داند

فریب فرزندان آدم

سوگند او → جلوگیری از رسیدن آن‌ها به بهشت

۲- شیطان

کار و راه نفوذ ← وسوسه کردن و فریب دادن انسان

راه‌های فریب { - غافل کردن از خدا و یاد او - زیبا و لذت‌بخش نشان دادن گناه

{ - سرگرم کردن به آرزوهای دنیایی - ایجاد کینه و دشمنی میان مردم

جلوگیری از نفوذ او ← تمناز

نکات مکالمه‌ی جهنمیان و شیطان در روز قیامت:

۱- خداوند به شما وعده‌ی حق داد، اما من به شما وعده‌ای دادم و خلاف آن عمل کردم.

۲- من بر شما تسلطی نداشتم (اختیار انسان) ← شیطان تنها دعوت کننده است.

۳- نه من می‌توانم به شما کمکی کنم و نه شما می‌توانید مرا نجات دهید.

درس سوم: پنجره‌ای به روشنائی

❖ چيستی مرگ و آینده انسان پس از آن، از پرسش‌های فراگیری است که ذهن عموم انسان‌ها را مشغول خود کرده است.

(۱) اعتقاد به معاد

- بعد جسمانی (غیر مجرد) — تغییر و دگرگونی دارد — فرسوده و متلاشی می‌شود
- بعد روحانی (مجرد) — تجزیه و تحلیل نمی‌پذیرد — متلاشی نمی‌شود — آگاهی خود را از دست نمی‌دهد
- مرگ غروبی برای جسم و طلوعی درخشان‌تر برای روح است.
- رسول خدا (ص)

❖ برای نابودی و فنا خلق نشده‌اید بلکه برای بقا آفریده شده‌اید و با مرگ از جهاتی به جهان دیگر منتقل می‌شوید.

❖ باهوش‌ترین مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگ‌اند و خود را بهتر از دیگران برای آن آماده می‌کنند.

❖ "النَّاسُ نِيَامٌ، فَإِذَا مَاتُوا، انْتَبَهُوا" — بی‌ارزشی دنیا در مقابل سرای حقیقی آخرت

"وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ"

- ۱- دنیا — بازی و سرگرمی، آخرت — سرای راستین و حقیقی
- ۲- بهترین مقایسه‌ی قرآنی و ملکوتی در مورد دنیا و آخرت — دعوت قرآن به تفکر در آن

پیامدهای این دیدگاه

الف) ایجاد شور و نشاط و انگیزه‌ی کار و فعالیت — داشتن انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر — تلاش و توان بسیار برای خدمت به خلق خدا (زیرا می‌داند هر چه در این راه پیش رود آخرتش زیباتر است) — اعتقاد به آن که هیچ کاری بی پاداش نمی‌ماند (حتی اگر آن کار به چشم کسی نیاید)

"مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ"

ملت توحید عملی معقول

ب) نترسیدن از مرگ و آمادگی برای فداکاری در راه خدا — شجاعت به مرحله‌ی عالی خود می‌رسد و فداکاری در راه خدا ضروری می‌شود.

تلاشی در مسیر موفقیت

❖ امام حسین (ع):

- من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز ننگ و خواری نمی‌بینم.
- مرگ پلای است که شما را از ساحل سختی‌ها به ساحل سعادت و کرامت و بهشت‌های پهناور و نعمت‌های جاوید عبور می‌دهد. پس کدام از شما کراهت دارد از زندان به قصر منتقل شود.

(۲) انکار معاد

- حقیقت انسان جسم و تن اوست.

- مرگ پایان زندگی و با آن پرونده اعمال بسته و انسان رهسپار نیستی می‌شود.

"وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ"

- ۱- یکی از جلوه‌های انکار معاد، محدود دانستن حیات آدمی به زندگی دنیاست.
- ۲- مرگ، پایان آدمی و عامل بسته شدن پرونده زندگی انسان است. (دیدگاه منکران)
- ۳- علم اندوزی از عوامل اعتقاد به معاد و تکیه بر شک و گمان و عقاید خرافی عامل انکار معاد می‌باشد.

پیامدهای این دیدگاه

الف) پیش گرفتن راه غفلت از مرگ و سرگرم کردن خود به هر کاری برای فراموش کردن آینده تلخ مرگ — به خاطر میل به جاودانگی نکلته: این پیامدها دامن کسانی که اعتقاد قلبی به معاد ندارند را می‌گیرد. — فرو رفتن در هوس‌ها و معبود گرفتن دنیا علت غفلت از یاد آخرت است.

ب) گروهی که نمی‌توانند فکر مرگ را فراموش کنند:

- بی ارزش شدن زندگی چند روزه‌ی دنیا
- یأس و ناامیدی و از بین رفتن شور و نشاط زندگی
- کناره‌گیری از دیگران و دچار شدن به انواع بیماری‌های روحی
- قدم گذاشتن در راه‌هایی برای تسکین خود، که بر سرگردانی آن‌ها می‌افزاید.

درس چهارم: آینده روشن

پیامبران، با قاطعیت از آن خبر و تسبیت به آن هشدار داده‌اند.
 بعد از ایمان به خدا ایمان به آخرت مطرح شده (لازمه ایمان به خدا) ————— «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...»
 بعد از توحید بیشترین صحبت در قرآن، در مورد معاد است

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا"

توحید معاد جسمانی و روحانی
 رفع هر گونه شک در مورد معاد
 اثبات وجود معاد با تکیه بر صداقت خدا

الف) امکان معاد

- یکی از دلایل انکار معاد ————— مقایسه‌ی قدرت خود با خداوند و بعید شماردن آن ————— بعید بودن چیزی برای انسان دلیل غیر ممکن بودن آن نیست
 - دلایل اثبات امکان معاد (زنده شدن مجدد جسم):

۱- اشاره به پیدایش نخستین انسان

«و برای ما مثالی زد، در حالی که آفرینش نخستین خود را فراموش کرده بود، گفت: کیست که این استخوان‌های پوسیده را دوباره زنده کند؟ بگو همان خدایی که برای نخستین بار آفرید و او به هر خلقی توانست.»

۲- اشاره به نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان ————— برای محسوس‌تر نشان دادن قدرت خدا در امر امکان معاد

- عزیز نبی (ع): می‌دانم خدا بر هر کاری توانست

- قرآن کریم: نه تنها استخوان‌های آن‌ها را به حالت اول در می‌آوریم بلکه سر انگشتان آن‌ها را نیز همان‌گونه که بوده، مجدداً خلق می‌کنیم.

۳- اشاره به نظام مرگ و زندگی در طبیعت

- زندگی بعد از مرگ به عنوان یک جریان رایج در جهان طبیعت معرفی شده است ————— دستور قرآن به مطالعه این جریان

- فرا رسیدن بهار، رستاخیز طبیعت است

- قرآن کریم: خداست که بادها را می‌فرستد تا ابر را برانگیزد. سپس آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم...

ضرورت معاد در پرتوی حکمت الهی
 محال نبودن آن
 مبنا - باطلا - حق
 حکمت خداوند قرار دادن تمایلات در انسان و پیش‌بینی راه‌های پاسخ‌گویی به آن تمایلات، بجز میل به جاودانگی میل به کمالات نامحدود دوری از کار عبث و بیهوده

پس اگر سرای آخرتی نباشد که پاسخ این دو میل داده شود بر حکمت خدا ایراد وارد می‌شود. نمی‌شود این همه استعدادی که خداوند در وجودمان گذاشته بی‌جواب بماند.
 "أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَتْنُكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ"
 واقعه‌ی قیامت

"اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا"

* عادل یکی از صفات خداوند ————— استواری جهان بر پایه‌ی عدل = استحقاق هر شخص

رسول خدا (ص): "بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ"

* تحقق عدل الهی در زندگی دنیا امکان‌پذیر نیست، زیرا:

الف: همه در این دنیا به پاداش و جزای اعمال خود نمی‌رسند.

ب: دنیا ظرفیت ادای پاداش و کیفر انسان‌ها را ندارد.

"أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ"

* ضرورت معاد در پرتوی عدل الهی

هر آیه‌ای که بحث از عدالت الهی باشد مانند: "وهم لا يظلمون"

درس پنجم: منزلگاه بعد

برزخ
 در لغت: حد فاصل، در پیش دینی: عالم میان دنیا و آخرت
 ویژگی‌ها: وجود شعور و آگاهی ————— ادامه فعالیت آگاهانه روح ————— جسم در دنیا می‌ماند - توفی

افزایش درک و آگاهی ————— صحبت با قرشنگان

سخن پیامبر به کشته شدگان جنگ بدر

باز بودن پرونده اعمال (شبهات دنیا و برزخ)

"حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ"

- ۱- با تحقق توفی (ویژگی ۱) گرچه فعالیت جسم متوقف می شود اما فعالیت آگاهانه روح ادامه می یابد و آدمی به کاستی های اعمال خود آگاه می شود. (ویژگی ۲) ← درخواست به بازگشت به دنیا
- ۲- فرق دنیا و برزخ ← ۱. امکان بازگشت نیست ۲. در برزخ انسان توانایی انجام عمل صالح جدید را ندارد
- ۳- حد فاصل دنیا و برزخ ← ۴- روز قیامت

❖ اعمال ما تقدم و ما تأخر ← عامل باز بودن پرونده اعمال

گناهان ما تأخر: مد سازی های غلط، تولید و نشر مطالب نامناسب، ایجاد آداب و رسوم غلط در ازدواج، ایجاد تحريفات فکری و اخلاقی در دیگران

❖ رسول خدا (ص): «هر کس سنت و روش نیکی در جامعه جاری سازد... بدون اینکه از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس سنت زشتی بین مردم مرسوم کند... بدون اینکه از گناه عامل آن، کم کنند»

"يُنَبِّئُ الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ" ← ویژگی ۳ برزخ قیامت

❖ برزخ در کلام پیشوایان

- رسول خدا (ص): قسم به کسی که چشم در دست اوست، ایشان (مردگان) به این کلام از شما شنواترند و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند ← دوره برزخ دوره ی آگاهی و هوشیاری بیشتر است. (ویژگی دوم برزخ)
- امام کاظم (ع): هر یک از مومنان برحسب مقدار فضیلت ها (کمیت اعمال) به دیدار خانواده ی خود می آیند برخی هر روز و برخی هر دو روز، برخی هر سه روز، و کمترین آنها هر جمعه ← روح مومن در برزخ از احوال خانواده اش باخبر است. (ویژگی دوم برزخ)

درس ششم: واقعه ی بزرگ

- الف) مرحله ی اول ← با پایان یافتن دنیا آغاز می گردد.
- ۱- شنیده شدن صدای مهیب } آسمان و زمین را فرا می گیرد
همه را غافلگیر می کند ← چون ناگهانی است
 - ۲- مرگ اهل آسمان و زمین } برچیده شدن یسایط حیات
جز آن ها که خداوند خواسته است
 - ۳- تغییر در ساختار زمین و آسمان } تحول عظیم در زمین و آسمان
- اتفاقات } بی نور شدن خورشید
تیره شدن ستاره ها
تبدیل آسمان و زمین
تبدیل آسمان و زمین
تبدیل آسمان و زمین
- الف) مرحله ی دوم ← آماده شدن انسان ها برای دریافت پاداش و کیفر
- ۱- زنده شدن همه انسان ها } بعد از شنیده شدن صدای مهیب دیگر
حیات مجدد انسان ها و حضور در پیشگاه الهی
وضعیت گناهکاران
به دنبال راه فرار
هراسان بودن دل هایشان
به زیر افکنده شدن چشم هایشان از ترس
 - ۲- کنار رفتن پرده از حقایق عالم } با تابیدن نور حقیقت
اسرار و حقایق عالم آشکار می شود
واقعیت همه چیز (اعمال، رفتار، نیت) آشکار می گردد
حوادث تلخ و شیرین معلوم می گردد
 - ۳- برپا شدن دادگاه عدل الهی
- با آماده شدن صحنه قیامت ← رسیدگی به اعمال آغاز می شود
 - اعمال در ترازوی عدل الهی سنجیده می شود ← حتی اگر ذره ای ناچیز باشد
 - معیار و میزان سنجش اعمال ← پیامبران و امامان ← چون اعمالشان عین آن چیزی است که خداوند دستور داده است
- ارزش افزون اعمال = نزدیک بودن به اعمال پیامبران و امامان

- ۴- دادن نامه اعمال
- نیکوکاران ← دست راست، بدکاران ← دست چپ
 - نامه‌های دنیوی ← گزارش و تصویر اعمال
 - نامه‌های اخروی ← خود عمل و حقیقت آن ← اعمال تجسم می‌شود
- کارهای خوب: صورت‌های زیبا و لذت‌بخش
- کارهای بد: صورت‌های بسیار زشت و وحشت‌زا و آزار دهنده

۵- حضور شاهدان و گواهان

- الف) پیامبران و امامان { بهترین شاهدان ← رسول خدا در رأس شاهدان
ناظر و شاهد اعمال انسان
- ب) فرشتگان الهی { مراقب انسان‌ها
ثبت و ضبط اعمال

"وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كَرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ"

- ج) اعضای بدن انسان
- با سوگند دروغ بدکاران برای رهایی از مهلکه
 - با اذن خداوند به همراه مهر خاموشی بر دهان گناهکاران
 - گفته گناهکاران به اعضای خود: چرا علیه ما شهادت می‌دهید؟
- "الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ"

اندیشه و تحقیق

اعمال ما چه شاهدان دیگری در قیامت دارد؟ خدا شاهد اعمال ماست. پیامبران و امامان نیز شاهدند. فرشتگان و اعضای بدن شاهد دادگاه عدل الهی هستند. مطابق آیات قرآن، زمان و مکان، زمین و آسمان، خورشید و ماه و ستارگان و حتی قرآن، شاهدان دادگاه خداوند می‌باشند.

درس هفتم: فرجام کار

❖ بهشت

- نیکوکاران و رستگاران پس از پایان حسابرسی وارد آن می‌شوند.
- بهشت هشت در دارد ← یک در مخصوص پیامبران و صدیقان، یک در مخصوص شهیدان و الباقی برای گروه‌های دیگر
- فرشتگان به بهشتیان سلام می‌کنند و می‌گویند: «خوش آمدید، وارد شوید و برای همیشه در آن زندگی کنید»
- سپاس بهشتیان ← عملی شدن وعده‌ی خداوند ← عطا کردن بهشت به آن‌ها
- سپاس بهشتیان ← زدودن حزن و اندوه از آن‌ها و رسیدن به مقام خشنودی خدا (بالاترین نعمت بهشت)
- هر یک از بهشتیان در درجه‌ی خاصی از بهشت‌اند.
- گفته بهشتیان: سبحان الله
- هیچ نقصان، اندوه، غصه ... در بهشت نیست ← سرای سلامتی (دار السلام)
- دوستان و همشینیان انسان ← پیامبران، راستگویان، شهیدان و نیکوکاران (نیکو همشینیان) ← فرشتگان هم نشین نیستند!!!

❖ جهنم

- دوزخیان گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند ← پس از محاکمه
 - آتش جهنم از درون جان انسان‌ها شعله می‌کشد ← چون حاصل عمل خود آن‌هاست
 - علل ناله حسرت دوزخیان:
۱. نماز نخواندن
 ۲. دستگیری نکردن از محرومان
 ۳. همراهی بدکاران در معصیت
 ۴. تکذیب روز رستاخیز
 ۵. عدم فرماتبرداری از خدا
 ۶. عدم انتخاب دوست مناسب

مکالمه ها:

۱- جهنمیان با خدا

الف: شقاوت بر ما چیره شد، ما مردمی گمراه بودیم ما را از اینجا بیرون بر که اگر بازگردیم عمل صالح انجام می‌دهیم.

ب: در دنیا مگر به اندازه‌ی کافی عمر ندادیم؟ اگر برگردید همان راه گذشته را در پیش می‌گیرید.

۲- شیطان یا جهنمیان

الف: بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند.

ب: شیطان: «خدا به شما وعده ی راست داد ولی من به شما وعده ی دروغ دادم - من فقط شما را فراخواندم - خود را ملامت کنید.»

۳- جهنمیان و فرشتگان

الف: درخواست تخفیف از فرشتگان

اثبات کننده ی اختیار انسان در استفاده

ب: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ ← از هدایت الهی "إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ..."

* رابطه میان عمل و پاداش و کیفر

۱- قراردادی: مثال: هرکس مرتکب جرمی شود مطابق با قوانین جزایش مشخص می گردد

نکته: این قوانین قابل تغییراند و آنچه اهمیت دارد تناسب بین عمل و پاداش و کیفر است تا عدالت برقرار گردد

۲- محصول طبیعی خود عمل: مثال: سیگار کشیدن - بیماری

نکته: در این مورد پاداش و کیفر غیر قابل تغییراند و انسان می بایست خود را با آنها هماهنگ کند

۳- رابطه ی عینی و حقیقی یا تجسم اعمال

از تمام روابط عمیق تر و کامل تر است

خود عمل پاداش یا کیفر

ابعاد عمل (مادی و ظاهری) ← از بین می برد

(باطنی و غیبی) ← در نفس و روح باقی می ماند

"إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا"

عاقبت مخاطب آیه

* رسول خدا (ص):

همنشین انسان در رستخیز ← کردار انسان نیک بودن آن ← انس انسان موجب بد بودن آن ← وحشت انسان

درس هشتم: آهنگ سفر

* سرنوشت ابدی انسان ها بر اساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود ← لزوم برنامه ریزی برای رسیدن به هدف خلقت

* برنامه ریزی: ۱) تصمیم و عزم برای حرکت ۲) عهد بستن با خدا ۳) مراقبت ۴) محاسبه و ارزیابی

تلاشی در مسیر موفقیت

۱- تصمیم و عزم برای حرکت

- عزم به معنای اراده و قصد است ← عملی ساختن انتخاب ها ← لتمان: و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور
- استواری بر هدف + شکیبایی و تحمل سختی - آثار عزم قوی
- عزم ضعیف: - تاب نیاوردن در برابر تندباد حوادث
- عزم قوی: - تسپردن سرنوشت به دست حوادث
- داستان زندگی پیامبران

امام کاظم (ع): خدایا می دانم بهترین توشه مسافر کوی تو عزم و اراده ای است که با آن خواستار تو شده باشد.

۲- عهد بستن با خدا

- کسی که راه سعادت را انتخاب می کند ← با خداوند پیمان می بندد

بندگی خداوند = رضایت خدا = راه سعادت

تایم بندی } عهد بستن ← بعد از نماز، شب های قدر، شب یا روز جمعه
تکرار عهد برای استحکام ← آخر هفته، آخر هر ماه، شب های قدر

۳- مراقبت

- وفای بر عهد ← رضایت خدا، شکستن پیمان ← شرمندگی در برابر خدا

امام علی (ع): گذشت ایام، آفاتی دارد و موجب از هم گسیختگی تصمیم هاست.

علت معلول

- کسی که با خدا عهد می بندد مراقب است:

الف- تصمیم خود را فراموش نکند ب- عوامل بسست کننده را دور نکند

۴- محاسبه و ارزیابی

- ۱- میزان موفقیت به دست آید
- ۲- عوامل موفقیت یا عدم موفقیت معلوم شود
- موفقیت در عهد ← سپاس‌گزاری از خدا (زیرا پشتیبان ما بوده است)
- سستی در عهد ← ۱- سرزنش خود ۲- طلب بخشش از خدا ۳- عهد بستن مجدد با خدا
- پیامبر (ص): به حساب خود رسیدگی کنید، قبل از اینکه به حساب شما برسند.
- تایم‌بندی } رسیدگی به کارها: هر شب، پایان هفته
مرور برنامه: سالی یک بار (بهترین تایم شب‌های قدر است)
- * امام علی (ع): زیرک‌ترین انسان‌ها ← کسی است که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب یکشد.

* ضرورت داشتن اسوه:

- ۱- به ما اثبات می‌کند راه انتخابی موفقیت‌آمیز است
- ۲- می‌توان از تجربه‌ی آنان در این راه استفاده کرد
- ۳- مهم‌ترین دلیل ضرورت ← می‌توان با کمک گرفتن از آن‌ها سریع‌تر به هدف رسید
- * رسول خدا بهترین الگوها ← "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ"
- نکته ۱: اسوه بودن رسول خدا در مواردی است که همواره برای بشر فواید است (هائند برنامه‌ریزی و تقسیم زمان) ← نه در مورد مواردی که به طور طبیعی و با تعولات صنعتی تغییر می‌کنند.
- نکته ۲: رسول خدا اسوه کامل است و ما باید در هر توان از ایشان پیروی کنیم.
- نکته ۳: دفتر برنامه‌ریزی باید دارای بخش‌های معین باشد تا بتوان به راحتی آن‌ها را پیگیری کرد و در آن اصلاحات لازم را به عمل آورد.

اندیشه و تحقیق

چرا در میان موجودات فقط انسان ممکن است زمان هدر رفته داشته باشد؟ انسان دارای قدرت تفکر و تعقل و اختیار است: نسبت به دیگر موجودات هدف‌والاثری دارد و آن رسیدن به سعادت اخروی و تقرب الهی است؛ در نتیجه باید در زندگی برنامه‌ریزی داشته باشد یعنی هم به فکر دنیا باشد و هم به آخرت اهمیت دهد، اما برخی در اثر تنبلی و نداشتن کاری، از فرصت هایشان به طور صحیح استفاده نمی‌کنند و اتلاف وقت می‌کنند.

درس نهم: دوستی با خدا

- * محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است ← دلبستگی‌ها و محبت‌ها به زندگی جهت می‌دهد
- * امام علی (ع): ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.

هرگز کرده بدست آنی، آنی

این گداز اگر بدانی، دانی

* محبت به خدا ← نتیجه‌ی ایمان به اوست ← "وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ"

- عشق و محبت الهی ← افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد

محبت الهی ← تنبل را چالاک، بخیل را بخشنده، کم طاقت را صبور و خودخواهی را به ایثار تبدیل می‌کند

عشق به خدا ← چون اکسیر مرده را حیات بخشیده و زندگی حقیقی (الحیوان) را به وی عطا می‌کند

* امام صادق (ع): قلب انسان حرم خداست، در حرم خدا غیر از خدا را جا ندهید.

"وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ..."

۱- مخاطب آیه کسانی هستند که در عشق و محبت به خدا شریک می‌گذارند (حرم دل را از غیر خدا جا می‌دهند)

۲- هر کس می‌خواهد قلبش را خاته خدا کند باید شیطان و امور شیطانی را از آن دور کند.

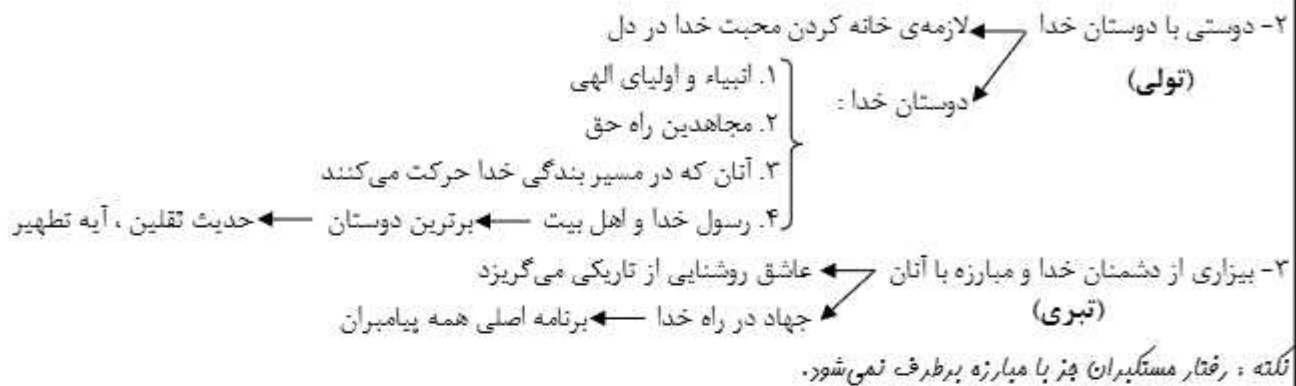
* راه‌های افزایش محبت به خدا

- ۱- پیروی از خداوند ← عمل به دستوراتش که توسط پیامبر ارسال شده است (تولی)
- امام صادق (ع): «مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَاهُ»

"قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ"

پیامبر (ص)

- ۱- پیروی از رسول خدا عین پیروی از خداست - توحید عملی
- ۲- آیه در رد کسانی است که می‌گویند: قلب انسان با خدا باشد کافی است عمل به احکام ضروری نیست.
- ۳- بهره‌مندی از محبت خدا و آموزش گناهان معلول پیروی از اوست



"لا اله الا الله" → بی‌زاری از باطل → تبری = تولی ← دوستی با خدا ← الله الا

امام خمینی (ره): باید مسلمانان فضای سراسری عالم را از عشق و محبت نسبت به ذات حق (وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ) و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.

* امام سجاد (ع): خدایا!!!

- هر کس لذت دوستی ات را چشیده باشد ← غیر تو را اختیار نکند
- آن کس که با تو انس گیرد ← لحظه‌ای از تو روی گردان نشود
- دوست داشتنت را از خودت خواهاتم

اندیشه و تحقیق

چگونه می‌توان دریافت که در دوستی یا خدا و دشمنی یا بدی‌ها صادق هستیم؟ نشانه دوستی با خدا، غیر از پیروی خدا، ابراز بی‌زاری و حتی مبارزه با دشمنان خداست. با دشمنان خدا دوست نباشیم. بی‌زاری خود را به آن‌ها نشان دهیم. زیرا تولی، باید تبری را به همراه داشته باشد. پس کسی که دشمنان خدا را دوست دارد، دوست خدا نیست.

درس دهم: یاری از نماز و روزه

* انسان با عمل به احکام خداوند می‌تواند در مسیر عبودیت خداوند قدم بردارد.

* انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت آن‌ها را انجام دهد.

تقوا: - ثمره مشترک نماز و روزه - به معنای حفاظت و نگهداری

امام علی (ع):

- مثل انسان‌های بی‌تقوا ← مثل سوارکارانی که سوار بر اسب‌های چموش و سرکش‌اند.

- مثل انسان‌های باتقوا ← مثل سوارکارانی که سوار بر اسب‌های راهور و رام‌اند.

نماز

ستون خیمه‌ی دین و نشانه وفاداری به عهد خود با خدا

عامل ورود اسلام به جامعه و خانواده

موجب می‌شود انسان دست به هر کاری نزند و از گناهان دوری کند

۱. تداوم ۲. میزان دقت توجه ← عوامل اثرگذاری نماز

"وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ"

توحید عملی

۱- آثار نماز (به ترتیب): دوری از گناه - یاد خدا (ثمره‌ی مهم‌تر)

۲- اعلام آگاهی خداوند بر اعمال دنیوی انسان‌ها

* عوامل از بین برنده‌ی اثر نماز:

۱- ناراحت کردن پدر و مادر امام صادق (ع): فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند...

۲- غیبت کردن

پیامبر (ص): «هر کسی غیبت مسلمانی را کند تا چهل روز نماز و روزه اش قبول نمی‌شود، مگر آنکه غیبت شده او را ببخشد.

نکته: اگر نماز ما را از گناه باز ندارد، اشکالی در آن است.

امام صادق (ع): ... به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه شود، این نماز قبول شده است.

✳ میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف، به میزان خود نگهداری و تقوای او بستگی دارد.

برخی از نجاسات عبارتند از:

۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۲ و ۳- ادرار و مدفوع انسان و حیوان های حرام گوشتی که خون جهنده دارند.

۴- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.

۵ و ۶- سگ و خوک، زنده و مرده آنها نجس است.

۷- کافر (یعنی کسی که به خدای یگانه اعتقاد ندارد).

۸- شراب و هر مایع مستی آور، نجس است.

روزه

با آمدن ماه رمضان جوامع اسلامی حال و هوای معنوی پیدا می‌کنند

مصدق کامل‌ترین صبر و پایداری (تقوا)

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ"

مخاطب آیه

۱- روزه فریضه‌ای واجب بر تمامی مؤمنان وادیان الهی می‌باشد

۲- مهم‌ترین ثمره روزه تقوا و پرهیزگاری می‌باشد

احکام روزه

۱- باطل کننده‌ها ————— نه چیز

خوردن و آشامیدن، دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر، رساندن غبار غلیظ به حلق، فرو بردن تمام سر در آب، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

۲- اگر کسی غسل یا تیمم بر او واجب است، نمی‌تواند روزه بگیرد و اگر عمداً در غسل کردن سهل انگاری کند تا وقت تنگ شود می‌تواند تیمم کند، اما بابت

غسل نکردن معصیت کرده است.

۳- اگر به علت **مرضی** روزه نگیرد ————— تا رمضان آینده باید قضای آن را بگیرد

اگر تا رمضان آینده نگیرد ————— قضای هر روز + به ازای هر روز به یک فقیر، یک مد گندم یا جو و مانند آن ها را بدهد.

۴- **عمداً** روزه نگیرد: باید به ازای هر روز **دو ماه**، روزه یا **۶۰ فقیر** را غذا بدهد (۶۰ مد) ————— به کلمه یا زحمت کن!!!

۵- با کاری حرام مثل دروغ به خدا و پیامبر روزه را باطل کند، به ازای هر روز **کفاره جمع** ————— ۶۰ فقیر و دو ماه

نکته: در موارد ۴ و ۵، **قضای روزه در کنار کفاره به قوت فور پابرجاست.**

✳ **وظیفه شخص مسافر:** نماز باید شکسته خوانده شود و **روزه نباید** گرفته شود با شروط زیر:

{ الف) رفتن او کمتر از ۴ فرسخ شرعی (حد ترخص) و مجموعه رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد

{ ب) بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر نکرده بماند ————— جایی که ده یا بیشتر می‌مانیم عین وطن است و مسافر نیستیم

{ ج) برای انجام کار **حرام** سفر نکرده باشد مثال: بدون اجازه ی پدر و مادر به مسافرت رفتن !!!

اما اگر:

۱- به وطن خود یا جایی که می‌خواهد ————— **پیش از ظهر برسد** اگر کاری که روزه اش را باطل کند انجام نداده است، باید روزه بگیرد

۱۰ روز یا بیشتر بماند ————— اگر انجام داده است، نباید روزه بگیرد

۲- روزه گرفته باشد ————— **بعد از ظهر مسافر تا پیش از ظهر** باید روزه آن را بگیرد

قبل از ظهر مسافرت کند ————— بعد از اینکه به ۴ فرسخ شرعی (حد ترخص) رسید، روزه اش را افطار کند

درس یازدهم: فضیلت آراستگی

- * آراستگی
- مرتب و منظم کردن خود و بهتر کردن وضع ظاهری یا باطنی
 - انسان به طور طبیعی به آن علاقه دارد. ← گرایش فطری
 - عامل تحسین انسان توسط دیگران
- جنبه ها
- باطنی ← زیبایی های اخلاقی همچون ادب، سخاوت، حسن خلق
 - ظاهری ← آراستگی از اخلاق مؤمن است

* آراستگی سیره ی پیشوایان دین

رسول خدا (ص) به هنگام ملاقات دیگران:

- خدای تعالی دوست دارد وقتی بنده اش به سوی دوستان خود می رود آماده و آراسته باشد.

امام صادق (ع):

- در زمان پیامبر (ص) مردم در سختی بودند، اما امروز ما در شرایط بهتری هستیم و عموم مردم توانایی پوشیدن چنین لباسی را دارند. ← در جواب مدعیان

زهد و پرهیز

- خداوند آراستگی و زیبایی را دوست دارد و از تپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می آید.

- دو رکعت نماز با بوی خوش بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

* توصیه های پیشوایان در مورد آراستگی

* پیامبر (ص):

- سبیل و موهای بینی خود را کوتاه کنید. ← این کار بر زیبایی شما می افزاید.

- مردان ناخن خود را کوتاه و زنان مقداری بلند کنند. ← بر زیبایی آن ها می افزاید.

نکته: این شیوه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سبب شهرت مسلمانان

۱. آراسته ترین و پاکیزه ترین ملت ها شوند

۲. الگو و سرمشق ملت های دیگر شوند

* مکان های حفظ آراستگی: ۱- اجتماعات و معاشرت

۲- خانواده

۳- عبادت (مهم ترین مکان)

موجب شکوفا کردن توانایی ها و استعدادها می شود

* مقبولیت

دوران توجواتی و جوانی نیاز به آن بیشتر می شود

رسیدن به آن از راه های نادرست. ← نشانه ی ضعف روحی و ناتوانی در اثبات خود است

عفاف ← حالتی در انسان که موجب کنترل انسان در برابر تندروی ها و کندروی ها و حرکت در مسیر اعتدال و میانه روی می شود.

* رابطه ی عفاف با آراستگی و مقبولیت

- یکی از جلوه های عفاف، مربوط به آراستگی و مقبولیت است.

تندروی در آراستگی و ابراز وجود و مقبولیت

- تبرج ← قرآن کریم دچار شدگان به آن را جاهل می خواند

نتیجه: غفلت از هدف اصلی زندگی

- مقبولیت را از راه جلب ظاهری و خود را ابزاری برای هوس رانی دیگران کردن، به دست نمی آورد

باوقار شدن پوشش = عفاف

- امام علی (ع): مبدا خود را برای جلب توجه دیگران بیارایی که در این صورت ناچار می شوی با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

معلول

علت

- امام صادق (ع): لباس نازک و بدن نما نپوشید، زیرا چنین لباسی نشانه سستی و ضعف دین است.

* دلایل ضرورت رعایت عفاف در زنان

۱- زن، مظهر جمال خلقت است. ← زیبایی باطنی و ظاهری او پشتوانه مهم برای ازدواج و تحکیم خانواده است.

۲- زن کانون عفاف خانواده است.

نکته: عرضه نابهای زیبایی، به جای گرمی پوشیدن به کانون خانواده عفت و هیا را از بین می برد.

درس دوازدهم: زیبایی پوشیدگی

دستورات قرآن کریم حول عفاف و حجاب:

الف) خودداری مردان از نگاه به زنان نامحرم

ب) خودداری زنان از نگاه به مردان نامحرم

ج) استفاده زنان از زینت و زیورات نباید موجب جلب توجه نامحرم شود مگر قسمت‌هایی که آشکار است، مانند گردی صورت و دست‌ها تا مچ

د) پوشش زنان باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر موی سر، گریبان و گردن آنها را نیز بپوشاند. (کیفیت حجاب)

نزدیک کردن پوشش‌ها به خود برای زنان بهتر است

* حدود و نتیجه‌ی حجاب از نظر قرآن کریم:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلْأَوَّامِكِ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ ذَلِكَ أَذْنَىٰ أَنْ يَعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ»

۱- زنان مسلمان از ابتدا موی سر خود را می‌پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند لذا خداوند به آنان دستور می‌دهد که پوشش‌هایشان را به خود نزدیک کنند تا اطراف صورت و گریبان آنان نیز پوشیده شود.

۲- دلیل: زن به عفاف و پاکی شناخته شود و مورد تعرض افراد بی‌بند و بار قرار نگیرد.

نکته: آزار و رسوم نفوه و شکل پوشش و قرآن مرور و علینت آن را تعیین کرده است.

* حدود پوشش در کلام پیشوایان

- امام کاظم در جواب برادرش که دیدن چه مقدار از بدن زن نامحرم جایز است: «چهره و دست‌ها تا مچ» ← بند ج

- امام صادق در جواب فضیل بن سيار: «آنچه زیر روسری است باید از نامحرم پوشانده بماند، همچنین از مچ به بالا باید پوشیده شود» ← بند ج

* حدود پوشش در اسلام

مردان ← پوشش آن‌ها

وقار و احترام آن‌ها حفظ شود

با ارزش‌های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد

آنان را نزد مردم انگشت نما نکند

وسيله جلب زنان نشود

≠ پوشش حرام

تمام بدن خود را، به‌جز صورت و دست‌ها تا مچ، از نامحرم بپوشانند.

تلاشی در مسیر موفقیّت

زنان

پوشش آن‌ها نباید چسبان و تحریک کننده باشد.

نکته: اتهام این وقایف هرچه کامل‌تر باشد:

۱. نزد فردا با ارزش‌تر ۲. آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون‌تر ۳. فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتر می‌رساند

* دلایل رد ادعای سلب آزادی زنان به خاطر حجاب:

۱- حجاب چگونگی پوشش زن در اجتماع را مشخص می‌کند ← موجب حضور مطمئن و امن زن در جامعه می‌شود

۲- ادعای خاتمه نشین کردن زنان با نگاه قرآن و سیره پیشوایان دین ناسازگار است.

نکته ۱: قانون عفاف موجب می‌شود که:

- سلامت اخلاقی جامعه بالا رود - حریم و حرمت زنان حفظ شود.

- آرامش روانی وی افزایش یابد

نکته ۲: پوشش و عفاف در ایران باستان پنهان برپسته بود که برقی مورقان غربی بر این باورند که ایران باستان منشأ اصلی گسترش عفاف در جهان بوده است.

نکته ۳: تفاوت عفاف در میان ملت مربوط به بگونگی و مرور آن بوده است.

اندیشه و تحقیق

با اینکه پوشش بدن و حتی موی سر در دین حضرت مسیح (ع) یک امر پسندیده است، برخی جوامع نسبت به این موضوع بی‌توجه‌اند. به نظر

شما علت آن چیست؟ متأسفانه این جوامع به سنت‌های مشرکانه پیش از حضرت مسیح برگشته‌اند و امروزه بی‌بند و باری در غرب رواج می‌شود؛ زیرا آن‌ها

حجاب را مانع کار و فعالیت اجتماعی دانسته و این تصور را دارند که زنان نمی‌توانند در جامعه حضور فعال داشته باشند؛ در صورتی که نه تنها این چنین نیست،

بلکه حضور آن‌ها با حجاب، فعال‌تر و سازنده‌تر خواهد شد. با تحریف دین مسیح، حجاب جایگاه قبل را میان مسیحیان ندارد در صورتی که با آمدن مسیح،

پوشش گسترش یافته بود.

درس اول: هدایت الهی

* احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای برای سعادت ← ارائه برنامه‌های متفاوت توسط مکاتب بشری شده است.

* فرا رفتن انسان از سطح زندگی روزمره ← روبرو شدن با نیازهای بنیادین (برتر) ← دچار شدن به دغدغه و درد متعالی که تشنه‌ی بیداری و ورود به وادی انسانیت است. ← انسان محصور در نیازهای طبیعی نیست.

* **نیازهای بنیادین:** (۱) شناخت هدف زندگی ← ۱- انسان می‌خواهد بداند که برای چه زندگی می‌کند؟ ۲- کدام هدف به زندگی اش معنای تعالی می‌دهد؟
یا برتر یا متعالی
↓
برآمده از سرمایه‌های انسان است

(۲) درک آینده‌ی خویش ← آخرت ← پاسخ آن توسط کسی است که زاد و توشه سفر به آخرت را می‌داند

روزگار من این است و هر شب نغم
که چراغ دل از احوال دل خود شوم

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود
بر کجا می‌روم آخرت را می‌دانم

شناخت هدف

(۲) کشف راه زندگی: ۱- راه زندگی یا چگونه زیستن
۲- ارتباط دقیق با دو نیاز قبلی (جامع نیازها)
۳- این نیاز دغدغه انسان‌های خردمند می‌باشد ← اولی الالباب
۴- اهمیت: انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید

مرد خردمند، نغمه‌ها را
مرد بااستدین، روزگار را

"وَالْعَصْرُ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّاصُوا بِالصَّبْرِ"

۱- خداوند در این آیه با سوگند به زمان زندگی انسان (عمر) او را تهدید به از دست دادن عمر و ترسیدن به هدف خلقت می‌کند.

۲- محفوظ ماندن از این زیان در گروه: ۱. ایمان ۲. عمل صالح ۳. سفارش دیگران به حق و صبر

* احسابات شخصی و سلیقه‌ی فردی پاسخ‌گوی نیازهای برتر انسان نیست.

* ویژگی پاسخ به نیازهای بنیادین: (۱) جامع باشد. ← همه ابعاد آدمی را در بر می‌گیرد

(۲) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد ← عمر محدود آدمی نمی‌تواند همه‌ی پاسخ‌های احتمالی را آزمون کند.

* ویژگی‌های کسانی که پاسخ به نیازهای بنیادین را می‌دهند:

۱- آگاهی کامل از خلقت انسان ۲- آگاهی از سرنوشت انسان پس از مرگ

* هدایت (۱) عام (تکوینی) ← بر اساس حکمت خداوند هدایت یک اصل عام و همگانی است. چون همه موجودات را برای اهدافی آفریده است.

(هدایت هر موجود متناسب با ویژگی‌های اوست)

"قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى"

(۲) هدایت ویژه انسان ← از طریق کتاب و پیامبران ← عقل هدایت ویژه نیست بلکه عامل کسب معرفت و بایددها و تبایدهاست.

ارسال برنامه هدایت توسط پیامبران ← تفکر انسان در آن ← انتخاب آن ← نتیجه رسیدن به هدف خلقت

"رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا"

وظائف پیامبران

علیت عزیز و حکیم بودن خدا معلولیت بیش راه بهانه‌گیری یا اتمام حجت در پی فرستادن پیامبران

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ"

توحید عملی

۱- پذیرش دعوت خدا و پیامبر ← بهره‌مندی از حیات پاک

* نکات حدیث امام کاظم به هشام بن حکم

(۱) خداوند دو حجت بر مردم دارد :

الف- حجت آشکار (فرستادگان الهی) ب- حجت نهان (عقل)

(۲) فرستاده شدن پیامبران معلول تعقل بندگان در پیام الهی

(۳) پذیرش بهتر پیام الهی معلول برخورداری از معرفت برتر

(۴) ذاتر بودن نسبت به پیام الهی، معلول برتری در تفکر و تعقل

(۵) داشتن رتبه‌ای بالا در دنیا و آخرت، معلول داشتن عقل کامل‌تر

نکته : بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی پاسخ به سؤال‌های اساسی به دست می‌آید - هر چند انسان مختار است هر برنامه‌ی دیگری انتقاد کند.

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

زبان دیدن در آخرت

درس دوم : تداوم هدایت

* وحدت دینی

بمعنای فطرت
مشترک
انسان‌ها

"خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به‌پا دارید، و در آن تفرقه نکنید."

۱- دین همه‌ی انبیاء یکی بوده و به همین جهت خداوند می‌خواهد که آن را به‌پادارند و در آن متفرق نشوند.

۲- آنچه بر مشرکان سخت می‌آید وحدت دینی پیروان پیامبران می‌باشد.

"قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نیمودند مگر پس از آن که به حقایق آن آگاه شدند، آن هم

به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت."

۱- حقیقت دین دارای ماهیتی است که بهترین معرف آن اسلام است

۲- آیه بر ریشه‌پیدایش ادیان مختلف اشاره دارد که مسبب آن، آن دسته از رهبران دینی بودند که با دانستن حقیقت و از روی ستم و

تجاوز دعوت پیامبر جدید را رد می‌کردند.

"این دین آئین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید."

"ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود."

* یکسانی ادیان در اصول بوده است و گرنه شیوه‌ی انجام احکام در هر دین متفاوت است.

علت تفاوت در احکام فرعی ادیان

زمان

سطح آگاهی مردم

نیازهای هر دوره

توحید

ثبوت

معاد

عدل

حیطه‌ی ایمان

اصول ادیان

حیطه‌ی عمل

عمل به واجبات و ترک محرمات

کسب فضائل و دوری از رذائل

برپایی جامعه‌ای بر اساس عدالت

* علل آمدن پیامبران متعدد (۱) لزوم استمرار در دعوت و ترویج پیوسته‌ی آن - لازمه‌ی استقرار و ماندگاری یک دعوت

تعالیم سبک زندگی مردم شود

دشمنان نتوانند آن را کنار بگذارند

(۲) رشد تدریجی سطح فکر جوامع و اقوام

حدیث : "إِنَّا مَعَاشِرُ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرُنَا أَنْ نَكْلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ"

(۲) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین، به دلیل الف) ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی ب) عدم توسعه کتابت

- * دلایل ختم نبوت (۱) آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی ← در مقابل رشد تدریجی سطح فکر مردم است (عوامل تجدید نبوت)
- مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند
آمادگی فکری و فرهنگی جوامع دیگر
شروع نهضت علمی با ورود اسلام
- (۲) حفظ قرآن کریم از تحریف ← ۱. عنایت الهی ۲. اهتمام پیامبر ۳. تلاش مسلمانان (عدم نیاز قرآن به تصحیح و جاودانه بودن آن)
- (۳) وجود امام معصوم ← انجام مسئولیت های پیامبر (ص) (به جز دریافت و ابلاغ وحی) توسط امامان
- (۴) پویایی و روزآمدی اسلام (۱) توجه به نیازهای متغیر در عین توجه به نیازهای ثابت
- { داد و ستد ← نیاز ثابت
روش و شیوه ی آن ← نیاز متغیر
- توسط فقیهان و مجتهدان احکام آن تنظیم می شود
- (۲) وجود قوانین تنظیم کننده ← (لاَ ضَرَّارَ وَ لاَ ضَرَّارَ فی الاسلام)
- نکته: از آنجا که فراوان پیامبران را می فرستد و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان می داند، تشفی از زمان ختم نبوت با فرستادن

علل عدم قبول چند دینی در دنیا:

- ۱- هر پیامبری با آمدن پیامبر بعدی بشارت می داد ← عدم قبول پیامبر جدید به معنای عدم ایمان به پیامبر گذشته است
- ۲- قرآن تنها کتابی است که تمام محتوای آن از جانب خداست.

"وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ"

- ۱- ماهیت دین مورد قبول خداوند که موجب رستگاری دنیا و آخرت می شود اسلام است.
- ۲- وجود چند دینی مورد قبول خداوند نیست ← لزوم پذیرش اسلام
- ۳- یکی از جلوه های خسران زندگی در آخرت عدم قبول اسلام است.
- ۴- ایمان به آخرین پیامبران به معنای ایمان به همه ی پیامبران قبلی است. زیرا همه، مردم را به سوی خدا دعوت می کردند نه خود!

درس سوم: معجزه جاویدان

- * اعجاز پیامبران
- { برای اثبات ارتباط پیامبران با خداوند
قرآن ← "آیت" ← نشانه ی نبوت
دانشمندان اسلامی ← "معجزه" ← عجز و ناتوانی دیگران در انجام آن

* مراتب مبارزه طلبی قرآن:

- مرحله ۱: کسانی که در الهی بودن قرآن شک دارند ← آوردن کتابی همانند
- مرحله ۲: برای نشان دادن عجز و ناتوانی شکاکان ← آوردن ۱۰ سوره همانند
- مرحله ۳: برای نشان دادن نهایت عجز و ناتوانی شکاکان ← آوردن ۱ سوره همانند - تحدی

"أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ"

- ۱- ادعای شکاکان در مورد غیر الهی بودن قرآن
- ۲- راحت ترین راه برای غیر الهی نشان دادن قرآن آوردن سوره ای مانند آن است ← مرحله ۲

"قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا"

- ۱- اعلام فوق توان بشر بودن قرآن
- ۲- مرحله ۲
- ۳- اعلام جاودانگی قرآن
- ۴- جاودانگی قرآن در هر صورت ممکن ← حتی با همفکری همه انسان ها

- * جنبه های اعجاز قرآن: (۱) لفظی: زیبایی لفظی، ساختار موزون کلمات و جمله، شیرینی بیان، رسایی در معنا یا وجود اختصار که از همان ابتدای بعثت مورد توجه بود که موجب عدم اجازه سران مشرکان از عبور مردم از در خانه پیامبر می شد.
- (۲) محتوایی: (الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی: صحبت در مورد موضوعات متنوعی
- "أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا"
- راه پی بردن به انسجام درونی علت انسجام درونی عدم تعارض
- (ب) تاثیرناپذیری از عقاید دوران جاهلیت: طرح مسائلی همچون عدالت خواهی، علم دوستی و حقوق برابر
- (ج) جامعیت و همه جانبه بودن: صحبت قرآن در مورد تمام مسائل حیاتی: برنامه ی هدایت انسان
- (د) ذکر نکات علمی: تبساط جهان: "وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ"
- قانون جاذبه میان ستارگان: ستون هایی که برای شما دیدنی نیست
- حرکت کرات به دور خورشید: "لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ..."
- خلقت موجودات از آب: "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ"
- "لِنُخَبِّرَ بِهٖ بَلَدَةً مِّنَّا"
- * امی بودن پیامبر: اثبات الهی بودن قرآن

درس چهارم: گستره ی رسالت پیامبر (ص)

- * رسالت پیامبر (ص): (۱) دریافت و ابلاغ وحی: نویسندگان آیات: کاتبان وحی: مرتب و تنظیم کردن آیات قرآن
- حافظان آیات: حافظان وحی
- (۲) تعلیم و تبیین تعالیم وحی (مرجعیت دینی): گفتار و رفتار پیامبر به عنوان اولین مرجع فهم آیات
- (۳) اجرای قوانین الهی از طریق ولایت بر جامعه (ولایت ظاهری): آموزش جزئیات احکام، که کلیاتشان در قرآن است
- امام باقر (ع): بنی الاسلام علی خمس علی الصلاة و الزکاة و الصوم و الحج و الولاية و لم یناء بشیء
- کمانودی بالولاية: اهمیت برقراری ولایت و حکومت اسلامی
- * دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی
- (الف) ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام: اسلام یک دین اجتماعی است
- اجرای عدالت در جامعه از اهداف پیامبران بوده است
- احکام اجتماعی اسلام در سایه حکومت اسلامی انجام می شود (زکات- خمس- امر به معروف و نهی از منکر...)
- "لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ"
- (ب) ضرورت پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن طاغوت: ابزار بر پای عدالت
- "أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنزَلَ إِلَيْنَا وَلَكِنْ هُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهٖ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا"
- ۱- مخاطب آیه مدعیان ایمان به کتب آسمانی هستند، در حالی که حل داور و مشکلات خود را نزد تاهلان می برند.
- ۲- مراجعه به طاغوت حرام است: علیت ایمان پنداری و نداشتن ایمان حقیقی معلولیت ارجاع مشکلات به طاغوت و در پی آن همراه شدن توسط شیطان
- ۳- پیروی از طاغوت فریب بزرگ شیطان است: "ضَلَالًا بَعِيدًا"
- * ولایت معنوی: - مرتبه ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری و به خاطر عبودیت و بندگی ایشان اعطا گردید.
- واسطه ی فیض خالق به مخلوق بودن پیامبر (به اذن الهی)
- نمونه ای از آن هدایت معنوی می باشد که به میزان ایمان و عمل افراد بستگی دارد که با الهام بر روح و جان وی انجام می شود.
- مانند حضرت علی (ع): "روزی رسول خدا (ص) هزار باب علم به رویم گشود که از هر کدام هزار باب دیگر گشوده می شد"

✽ ضرورت عصمت:

الف) رفتار : اعتماد به پیامبر از بین می‌رود و مردم از او پیروی نمی‌کنند.

ب) مسئولیت در حوزه رسالت:

۱) دریافت و ابلاغ وحی ← ۱- دین الهی به درستی به مردم نمی‌رسد

۲) تعلیم و تبیین دین ← ۱- انحراف در تعلیم دین پیدا می‌شد.

۳) اجرای فرامین الهی ← ۱- گمراهی مردم در هنگام انجام دستورات الهی

نکته : کسی که براندر باگناه از چشم خدا می‌افتد سمت آن نمی‌رود ← علت عصمت پیامبران

✽ قدرشناسی از پیامبر ← تلاش و مجاهده و اتحاد و همدلی برای جلوگیری از بی‌اثر شدن زحمات پیامبر

- امام خمینی (ره) : ای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید، به پا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام مجتمع شوید تا دست خیانت ابر قدرت‌ها را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید...

✽ راههای حفظ وحدت مسلمانان

۱- خودداری از اهانت به مقدسات سایر مسلمانان ← اعتقادات خود را با دانش اعتلا بخشیم تا با دیگران بر اساس استدلال صحبت کنیم

۲- دفاع درست از مظلومان مسلمان

پیامبر (ص): هرکس فریاد دادخواهی مظلومی را که از مسلمانان یاری می‌طلبد، بشنود اما به یاری آن مظلوم برخیزد، مسلمان نیست

۳- کسانی که به ظاهر خود را مسلمان معرفی می‌کنند ولی با دشمنان اسلام دوستی می‌کنند بشناسیم و فریب آن‌ها را نخوریم ← نتیجه
دوستی می‌کنند.

درس پنجم: تداوم رسالت

✽ رحلت پیامبر (ص) ← اتمام قلمرو دریافت و ابلاغ وحی ← ادامه قلمروهای مرجعیت دینی و ولایت ظاهری توسط امام

✽ تعیین امام ← توسط خداوند بوده است زیرا فقط خداوند دانا به وجود ویژگی‌های امامت در یک فرد است.

۱) نزول آیه انذار (یوم الانذار) ← ۳ سال بعد از بعثت بنا بر فرمان خدایه پیامبر ۴۰ نفر از بزرگان بنی هاشم را دعوت و حضرت علی را به عنوان جانشین خود انتخاب کرد ← ابلاغ این موضوع در روزهای اول بعثت نشان از اهمیت بالای موضوع جانشینی دارد و اینکه نمی‌توان انجام آن را به عهده ی مردم سپرد.

۲) نزول آیه ولایت ← در نزدیک ظهر

"إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ"

۱- آیه در نزدیک ظهر و در شأن حضرت علی و بیان ویژگی جانشین پیامبر می‌باشد که عبارت است از:
نکته: نزول این آیه به هنگام حضور مردم به آن جهت بوده است که مردم به چشم فور ببینند.
(۱) مومن به خدا
(۲) برپاکننده نماز
(۳) صدقه‌دهنده در رکوع

۳) نزول آیه تطهیر ← درب خانه حضرت فاطمه خوانده می‌شود.

"إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا"

۱- نزول آیه در منزل امه سلمه
۲- در بیان عصمت اهل بیت که علت معیار بودن عمل آنها برای سایر انسان‌ها است.

۳- مقدم بر دعای پیامبر (ص) : خدایا اینان اهل بیت من هستند...

۴) حدیث جابر ← به جهت معرفی اولوالامر

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ"

۱- لزوم اطاعت از خدا، پیامبر و صاحبان امر (افراد معرفی شده به عنوان ۱۲ امام در حدیث جابر) در هر عصر .

۵) حدیث ثقلین ← "إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا، فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا" ← در آخرین روزهای عمر پیامبر

۱- جاودانگی عصمت اهل بیت در کنار قرآن (ثقلین لازم و ملزوم یکدیگرند) ۲- تمسک به قرآن و اهل بیت ← جلوگیری از گمراهی

۶) حدیث منزلت ← اعلان ختم نبوت

پیامبر (ص) خطاب به حضرت علی : أَنْتَ مِنْ مَنزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

۷) حدیث غدیر ← سال دهم هجرت، روز هجدهم ماه ذیحجه در "حجة البلاغ" یا "حجة الوداع" به دنبال نزول آیه ۶۷ مائده

"(لَقَدْ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَكَ إِذْ نُنزِّلُ الْفُورَانَ إِنَّا نَحْنُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) لَقَدْ كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَكَ إِذْ نُنزِّلُ الْفُورَانَ إِنَّا نَحْنُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ"

۱- نزول آیه قبل از واقعه غدیر

۲- تضمین جان پیامبر در برابر خطرات احتمالی تعیین جانشین

۳- برابردانستن اهمیت تعیین جانشین با رسالت پیامبر

۴- بی بهره ماندن منافقان از اتوار هدایت الهی

۵- حدیث غدیر بعد از نزول این آیه یا عبارت "من اولى الناس بالمؤمنين من انفسهم" شروع و با "من كنت مولاه فهذا على مولاه" پایان یافت. (این جمله ۳ بار تکرار شد) ← مردم برای عرض تبریک و شادباش نزد امام آمدند و با وی بیعت کردند.

نکته: لازمی امامت، علم کامل و عصمت از گناه و اشتباه می باشد.

درس ششم: پیشوایان اسوه

"لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا"

مقام الگویی پیامبر در جایگاه رهبری

ویژگی های کسانی که مقام الگویی پیامبر را می پذیرند: ۱. امید به خدا و روز آخرت ۲. یاد دائمی خداوند

* ویژگی های حکومت پیامبر

۱- تلاش برای برقراری عدالت ← با قاطعیت عمل می نمود

- این اقدام در حالی بود که در جوامع آن روز تبعیض یک قانون پذیرفته شده بود

- اقدامات: تقسیم بیت المال - عدم تفاوت میان عرب و غیر عرب - بردباری در برابر تضییع حقوق خود و مجازات متجاوزان در برابر حقوق مردم - برابر دانستن همه افراد برای اولین بار

- پیامبر علت سقوط اقوام پیشین را تبعیض در اجرای عدالت می دانست.

۲- محبت و مدارا با مردم

- رفتار محبت آمیز پیامبر با مردم ← ۱. او را پدر خود می خواندند ۲. در سختی ها به او پناه می بردند

- پیامبر (ص): عیب دیگران را نزد من بازگو نکنید ← با دلی پاک با شما معاشرت کنم

- اقدامات: پهن کردن ردای خود برای مهمان - همراهی آنان اگر در مورد آخرت سخن می گفتند و هم سخن شدن با آنها اگر در مورد خوردنی و آشامیدنی صحبت می کردند. (جز در موارد حرام)

۳- سخت کوشی در هدایت مردم

- علاقه مندی پیامبر در هدایت مردم ← دور نشدن او از مردم حتی به واسطه های سختی و آزارهای این راه

- پیامبر (ص) در مقابل همه سختی های هدایت با صبر و بردباری به هدایت مردم می پرداخت ← "لَعَلَّكَ بِأَخِي نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ"

- بزرگان قبایل جنگ های علیه ایشان به راه می انداختند ← پیامبر سعی بر هدایت آنان داشت

- اقدامات: پیران و زنان و کودکان را نکشید - حیوانات حلال گوشت را نکشید مگر برای تغذیه...

۴- مبارزه با فقر و محرومیت

- تلاش پیامبر برای ساخت جامعه ای آباد موجب (علت): ۱. تشویق مردم به کار ۲. بیزاری از بیکاری ۳. مذمت کسانی که فقط عبادت می کردند

- اقدامات: احترام به فقیران و رفاقت با آنان - ملاک ندانستن ثروت برای برتری - گفت و گو صمیمانه با فقیرترین و محروم ترین مردم

* نکات حدیث امام علی (ع) در مورد تربیت او در دامن پیامبر (ص):

- نه هرگز رفتاری ناشایست از من مشاهده کرد... ← عصمت امام علی (ع)

- پیامبر هر روز پرچمی از خوی های نیکو را بر من می افراشت ← ولایت معنوی

- آنچه را من می شنوم تو ام می شنوی جز اینکه تو پیامبر نیستی ← ختم نبوت و حدیث منزلت

نکته: شیعه به معنای پیرو و کسانی هستند که امام علی (ع) را جانشین پیامبر می دانند.

* ویژگی های امام علی (ع)

۱- عدالت بی مانند

- در آغاز حکومت با الگوگیری از سیره پیامبر عدالت و مبارزه با تبعیض شروع شد

- در روزهای آغازین حکومت ← گروهی بیش از حق خود اینان تنگ دنیا و عذاب آخرت را خریده "اند..."

- فردای روز آغازین ← تقسیم بیت المال به تساوی ←

- در ابتدای حکومت - اصلاح امور و برکناری فرمائروایاتی که به تاحق به پست و مقام رسیده بودند - در این کار چنان مصمم بود - که به مصلحت‌اندیشی یاران توجه نداشت

۲- علم بی‌کران - یکی از ابعاد شگفت‌انگیز امام علی (ع)

- تحج البلاغه - دانشمندان برای استفاده بیشتر مردم شرح آن را نوشته‌اند

"أَتْلَا مَدِينَةَ الْعِلْمِ وَعَلَى يَدَيْهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ" وجوب پیروی از دانش امام علی (ع)

امام علی (ع) : «... هر گاه در حضور پیامبر سکوت می‌کردم، ایشان پیشگام می‌شد و مرا از دانش خود بهره‌مند می‌ساخت - ولایت معنوی

درس هفتم: وضع فرهنگی و سیاسی پس از رسول خدا (ص)

"وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ"

۱- از نظر قرآن کریم مهمترین خطری که پس از رحلت رسول خدا مسلمانان را تهدید می‌کرد بازگشت به دوران جاهلیت بود.

۲- سپاس گزاران واقعی نعمت رسول خدا، کسانی معرفی شده‌اند که در راهی که پیامبر بناتمامده ثابت قدم بمانند.

* حضرت علی عامل حکومت بنی‌امیه را سستی مسلمانان در دفاع از حق عنوان می‌داشت.

* نکات سخنان امام علی (ع) در مورد دوران بعد از خود

- شامیان بر مردم پیروز می‌شوند زیرا در راه باطل زمامدارشان فرمائبرداران

- قلب انسان به درد می‌آید که آن‌ها در مسیر باطل متحدند و شما در راه حق متفرقید

- امام علت حکومت بنی‌امیه را: ۱. سرپیچی مردم از دستورات امام ۲. اختلاف و تفرقه مسلمین

- هر خرامی را حلال می‌کنند

- دو دسته بگیرند: ۱. گروهی برای دنیا که به آن نرسیده‌اند ۲. گروهی برای دین خود که آن را از دست داده‌اند

* دلایل حفظ اسلام پس از رحلت رسول: (۱) تحول معنوی و فرهنگی ایجاد شده در عصر پیامبر

(۲) قرآن و ائمه اطهار

* مسائل و مشکلات (۱) ممنوعیت از نوشته شدن

عصر ائمه (ع): احادیث پیامبر:

۱- احتمال خطا در نقل احادیث و کم و زیاد شدن عبارات یا فراموش شدن آن‌ها

۲- فراهم آمدن شرایط برای جاعلان حدیث تا با اغراض شخصی احادیث را جعل کنند یا از

نقل برخی خودداری کنند

۳- دخالت دادن سلیقه‌ی شخصی در احکام دینی به علت بی‌بهره ملدن از یک منبع مهم هدایت

۴- نبود مدرک و منبع برای تشخیص حدیث درست از نادرست

(۲) تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث - برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان)

مانند: کعب الاحبار آیات و معارف اسلامی را مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان

تعلیم و تفسیر می‌کردند و از آنان جایزه می‌گرفتند

گفته شدن داستان خرافی در مساجد در مورد پیامبران

(۳) ظهور شخصیت‌ها و الگوهای غیرقابل اعتماد - به اتزاوا کشیده شدن شخصیت‌های اصیل اسلامی - برجسته شدن افراد

نالایق و به دور از معیارهای اسلامی

عدم ظهور انسان‌های آزاده و با ایمان همچون مقداد و عمار...

(۴) تبدیل حکومت عدل نبوی به حکومت قیصری و کسریایی: حکومت پیامبر بر اساس برابری و مساوات بنا شده

* جاهلیت با لباس جدیدی وارد زندگی اجتماعی شد

* طالبان قدرت و ثروت و قرب و منزلت یافتند

* شخصیت‌های باتقوا و جهادگر مورد احترام و اعتماد پیامبر (ص) منزوی شدند

* ساخت کاخ‌ها و خزائن

* تبدیل جامعه مؤمن و فداکار به جامعه راحت طلب و تسلیم

* عدم توانایی ائمه اطهار در همراه کردن دیگران با خود

نکته: به کلمات «منزوی» در مشکلات ۳ و ۴ دقت کن

چه مسائلی زمینه را برای ورود جعل و تحریف به احادیث پیامبر اکرم (ص) آماده کرد؟

منع نوشتن احادیث پس از رحلت پیامبر

نیاز حاکمان جور و صاحبان قدرت به توجیه موقعیت خود و هم چنین اقدامات مخالف اسلام آنان بود

درس هشتم: احیای ارزش‌های راستین

✽ راه‌هایی مسلمانان از اوضاع بنی‌امیه از نظر امام علی (ع):

- ۱- پیروی از قرآن، با شناخت فراموش‌کنندگان قرآن و با مقابله با دشمنان قرآن ممکن است.
- ۲- قدم گذاشتن در راه رستگاری، با شناخت رها کنندگان و تبعیت کنندگان صراط مستقیم و با مقابله با رها کنندگان امکان پذیر است.
- ۳- وفا کردن به عهد، با شناخت شکنندگان پیمان و با مقابله با پیمان شکنان ممکن است.
- ۴- نظر دادن و حکم کردن اهل بیت حکایتگر توانایی و دانش آنهاست. ← راه حل نهایی مسلمانان

✽ اقدامات مربوط به مسئولیت‌های دوگانه امامان

الف) اقدامات مربوط: (۱) تعلیم و تفسیر قرآن کریم ← آشکار کردن رهنمودهای قرآنی و بهره‌مندی مشتاقان

به مرجعیت دینی (۲) اقدام برای حفظ سخنان و سیره پیامبر (ص)

هریک از امامان علاوه بر این که ۱. علوم را به امام بعد از خود می‌سپرد سعی می‌کرد ۲. آنها را در جامعه گسترش دهد

مثال: امام رضا (ع): کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (حدیث سلسله الذهب)

تجلی توحید در زندگی اجتماعی با پذیرش ولایت ائمه انجام می‌شود به جهت توالی اسامی امامان

امام رضا (ع): "و انا من شروطها"

(۳) تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو ← با گسترش سرزمین اسلامی

قراهم آمدن کتاب‌های: ۱- نهج البلاغه ۲- صحیفه سجاده

(۴) تربیت شخصیت‌های اسلامی

نکته: تلاش ائمه (علت) سبب شد که حقیقت اسلام برای پویندگان پوشیده نماند.

ب) مجاهده در راستای ولایت ظاهری، به دو جهت: (۱) اداره جامعه از طرف خدا به امامان واگذار شده بود

(۲) سکوت در برابر ظلم و زیر پا گذاشتن قوانین اسلام را گناه می‌دانستند (بنا به وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر)

اقدامات ۱- عدم تأکید حاکمان → تفاوت‌های رفتاری حاکمان را در نظر داشتند (در مواردی که بر طبق دستور اسلام عمل می‌کردند)

به شیوه‌های مختلف به اطلاع مردم می‌رساندند

۲- معرفی خویش به عنوان امام بر حق → به گونه‌ای که مردم بدانند تنها آنان جانشینان رسول خدا هستند.

گفته‌ی امام صادق در روز عرفة و مراسم حج

۴- انتخاب شیوه‌ی درست مبارزه

به گونه‌ای که تفکر اسلام راستین باقی بماند

بنای ظلم بنی‌امیه و بنی‌عباس بسط شود

روش زندگی امامان به نسل‌های آینده منتقل شود

✽ تذکرات امام علی (ع) در مورد دوران بنی‌امیه:

۱. دروغ رایج شد، قرآن کم بها شد، حق پوشیده شد و باطل رایج گردید.

۲. منکر افزایش یافت، معروف کاهش یافت و از راهنمایی‌های قرآن فاصله گرفتند.

نکته ۱: مبارزه‌ی امامان به یک حرف فتم می‌شود اما شیوه‌ی مبارزه‌ی آنها متناسب با شرایط سیاسی و فرهنگی متفاوت بود.

نکته ۲: تقیه: مخفی نگه داشتن اقدامات مورد حساسیت دشمن به جهت ضربه زدن بیشتر و کم‌تر ضربه خوردن ← مخفی نگه داشتن ارتباط با یاران نمونه‌ای

+ ویژه انسانی‌ها+

از آن است.

* امام علی (ع) پس از اینکه حق مسلم خود در رهبری جامعه اسلامی برای حفظ نظام تویای اسلامی ۱- سکوت پیشه کرد، ۲- در عین حال گوشه‌گیری هم در پیش نگرفت، ۳- هر جا که کاری خلاف موازین اسلامی می‌دید انتقاد می‌کرد، ۴- هر جا که از آن حضرت کمک می‌خواستند آنان را یاری می‌نمود.

* امام حسن مجتبی (ع) با سنجیدن شرایط، سرانجام صلاح را بر آن دید که بر خلاف میل خود با معاویه قرارداد صلح را امضا کند، ولی معاویه بندهای قرارداد را زیر پا گذاشت.

* امام حسین (ع) وقتی یزید به حکومت رسید، روش خود را تغییر داد و علیه او قیام کرد.

* امام سجاد (ع) در کنار گسترش معارف از طریق دعا به تجدید حیات نهضت شیعیان پرداخت.

* در اثر فعالیت‌های امام سجاد (ع) و قوت گرفتن مجدد شیعیان و ضعف تدریجی بنی‌امیه، زمان معرفی اسلام اصیل در دوران امام باقر (ع) فرا رسید. ایشان یک مدرسه علمی در مدینه پایه‌گذاری کرد.

* در زمان امام صادق (ع) ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی‌امیه به اوج رسیده بود، ایشان مبارزه خود را علنی‌تر کردند و حتی قیام زیدبن‌علی عموی خود را تأیید نمودند.

* در زمان امام کاظم (ع) دوره اختناق شدید بود و مبارزه خود را آشکار و مخفی ادامه دادند و سال‌های طولانی را تیز در زندان به سر برد.

* ده سال از امامت امام رضا (ع) در دوره هارون عباسی بود و با روی کار آمدن مأمون، زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد.

* با شهادت امام رضا (ع) مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد. با تمام سخت‌گیری‌های سه امام بعد، معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل‌های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت (ع) شدند. به عنوان مثال «زیارت جامعه کبیره» یکی از منابع معرفی شیعه است که توسط امام هادی (ع) بیان شده و یاران آن امام برای ما شیعیان نقل کرده‌اند، این زیارت مانند یک درس امام‌شناسی است.

* در این دوره ارتباط امامان از طریق وکلا و نمایندگان اوج گرفت و ارتباط از طریق وکیل، زمینه را برای غیبت امام عصر (ع) نیز آماده کرد و در دوره غیبت صغری امام چهار نایب خاص تعیین کرد، در این دوره مردم به این نایبان مراجعه می‌کردند.

* ما پیرو شیعه انسان‌هایی هستیم که جان و همه زندگی خود را برای نجات و رستگاری انسان‌ها فدا کردند. البته آنان هم‌اکنون ناظر بر ما هستند، باید به گونه‌ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران نسبت به شیعیان نشویم.

* شیعه بودن تنها به اسم نیست، بلکه اسم باید با عمل همراه باشد تا پیرو حقیقی پدید آید که امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «مایه زینت ما باشید نه مایه زشتی و عیب».

* **وظیفه ما در برابر پیامبر (ص) و امامان (ع)** ← به گونه ای زندگی کنیم که سبب بدبینی دیگران به شیعیان نشویم ← **شیعه‌ای با عمل**

- امام صادق (ع): مایه زینت و زیبایی ما باشید، نه مایه زشتی و عیب

درس نهم: عصر غیبت

* امام مهدی (عج): تاریخ تولد: جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری

محل تولد: سامرا

آغاز امامت: سال ۲۶۰

غیبت صغری: ۲۶۰-۲۲۹ ← ارتباط از طریق نواب اربعه (نواب خاص)

غیبت کبری: از سال ۳۲۹ هجری با مرگ آخرین نایب

"ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ"

۱- رفتار روح جمعی جامعه مقدم بر تغییر نعمت‌دهی خدا اعلام شده است (نعمت‌دهی خداوند مقدم بر رفتار انسان هاست)

۲- زمینه ساز هلاکت یا سربلندی جامعه، اعمال مردم آن است

* علت غیبت امام مهدی (عج): به سبب قدرناشناسی و ناسپاسی مردم و در خطر بودن جان آن حضرت خداوند آخرین حجت خود را از نظرها پنهان کرد.

(۲)

(۱)

نکته ۱: با اینکه مالکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس عاملان اصلی به شهادت رسیدن امامان بودند اما:

۱. مردم تسلیم آن‌ها شدند ۲. وظیفه‌ای امر به معروف و نهی از نکر را اتمام نمی‌دادند

نکته ۲: مبارزه مردم با مالکمان ← رسیدن فلاقت به ائمه و حرکت جامعه بشری در مسیر صهیج کمال

امام علی (ع): زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی‌ماند اما خداوند به علت ستمگری انسان‌ها و زیاده‌روی در گناه خداوند آنان را از وجود حجت در میانشان

(۲)

(۱)

بی‌بهره می‌سازد ← تا جایی که انسان‌ها شایستگی ظهور پیدا کنند

❖ امامت حضرت مهدی : غیبت امام در مقابل ظهور است نه حضور

در دوره ی غیبت

امیرالمومنین (ع) : حجت خداوند در میان مردم حضور دارد از معابر و خیابان ها عبور می کند ...

امام عصر: بهره بردن از من در عصر غیبت، مانده بهره بردن از خورشید است هنگامی که پشت ابرهاست .

❖ بخش اصلی رهبری ایشان مربوط به ولایت معنوی می باشد به ویژه برای شیعیان و محبان

نامهی امام به شیخ مفید: ما از احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند...

نمونه ای از این یاری ها: هدایت باطنی افراد، حل برخی مشکلات علمی علما...

نکته : موعود و منبئ طرح مشترک پیامبران الهی در مورد آینده تاریخ و تحقق وعده ی پیروزی حق بر باطل است — «افتلاف ادیان در مورد پگمونی ظهور است»

آینده ی تاریخ: "وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا"

انتظار خداوند از مومنان صالح

۱- وعده خداوند به مومنان صالح در آینده تاریخ (به ترتیب) : ۱. حکمرانی در زمین ۲. استقرار دین آنها ۳. از بین بردن ترس آنها

"وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ"

۱- وعده خدا به صالحان در آینده تاریخ : ۱- به ارث بردن زمین — وعده مشترک و وحدت آفرین در کتب آسمانی

"وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ"

۱- وعده خدا به مستضعفان در آینده ی تاریخ (به ترتیب) : ۱) امام و پیشوای مردم ۲) به ارث بردن زمین

❖ مشخص بودن نام پدر و مادر امام زمان — شناخته شدن ماجراجویان فریب کار

❖ زنده بودن و حضور ایشان : ۱. درخواست از امام و تلاش برای کسب رضایت او ۲. بهره مندی مردم از هدایت معنوی امام

❖ پویایی جامعه شیعه در طول تاریخ : ۱) گذشته سرخ — شهادت در راه عدالت خواهی، آرمانگرایی، حقیقت جویی

۲) آینده سبز — دوری از طاغوت- تلاش برای گسترش عدالت

❖ مسئولیت های منتظر: ۱) تقویت ایمان و معرفت و محبت به امام

پیامبر اکرم (ص): هرکس دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند ولایت و محبت امام

پیامبر (ص) : "مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَغْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً"

❖ عصر غیبت عصر دودلی ها و شک تردیدهاست

پیامبر اکرم (ص) : بزرگترین مردمان در ایمان و یقین کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می کنند...

راه های افزایش معرفت: الف) شناخت جایگاه امام ب) آشنایی با شیوه حکومت داری ایشان ج) آشنایی با صفات ایشان

۲) پیروی از امام عصر (عج) — یا پیروی از عالمان دین است، عمل به احکام، نفی طاغوت

رسول خدا : خوشا به حال کسی که به حضور قائم برسد در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد

۳) ایجاد آمادگی در خود و جامعه — منتظران عصر غیبت را عصر آماده باش می دانند

❖ ویژگی های یاران مهدی (از نظر امام صادق) : یاران مهدی مردمانی سرشار از یقین...

❖ شروط بیت با امام زمان (از نظر امام علی) : در امانت خیانت نکنند، اهل دشنام نباشند...

❖ هسته مرکزی یاران امام ۲۱۲ نفر به تعداد یاران پیامبر در جنگ بدر می باشد بیشتر آنان را جوانان و طبق گفته امام باقر (ع) ۵۰

ویژگی کسانی که آماده ظهور می شوند:

۱. قبل از ظهور در صحنه فعالیت های اجتماعی و تبرد علیه باطل حضور داشته باشند ۲. ایستادگی در مقابل شیاطین درون و برون

۴) دعا برای ظهور — در انتظار ظهور بودن از برترین اعمال عصر غیبت است که لازمه آن دعا برای ظهور است

امام علی (ع) : منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مایوس نشوید و بدانید محبوب ترین کارها نزد خداوند انتظار فرج است

نکته : امام زمان زمانی ظهور می کند که :

الف) مردم از همه مکتب های غیر الهی و مدعیان برقراری عدالت در جهان نا امید شدند.

ب) با تبلیغ منتظران دل های مردم جلب ایشان باشد.

عدالت گستری [پیامبر (ص) : با ظهور امام عصر زمین پر از قسط و عدل...]
آبادانی [امام باقر (ع) : چنان میان مردم مساوات برقرار کند...]

جامعه مهدوی } شکوفایی عقل و علم یا عنایت امام زمان (عج)
امنیت کامل

بندگی بهتر
تربیت فرزندان صالح
خیرخواهی دیگران
رسیدن به هدف خلقت

فراهم شدن زمینه رشد و کمال ← مهم‌ترین ویژگی جامعه مهدوی که با آن

اندیشه و تحقیق

این جمله را تحلیل کنید : «منتظران مصلح، خود باید صالح باشند.»

کسانی که آن بینش انزواطلبانه را نسبت به یاران امام در عصر غیبت داشته باشند، انتظار آن‌ها نیز انتظاری غیر فعال یا منفی است، این گونه افراد، انتظار را بیشتر در دعا، گریه، زاری و اموری از این قبیل می‌بینند، اما کسانی که می‌کوشند خود را آماده ی همان کارهایی کنند که امام از آن‌ها خواهد خواست، انتظار مثبت یعنی آدم‌های فعالی هستند که در جهت تحقق خواسته‌های امام خود تلاش می‌کنند. آنان می‌کوشند جبهه‌ای از حق تشکیل دهند و همواره بر تعداد یاران خود بیفزایند و در عین فعالیت سازنده و مثبت با اشک و شوق و دعا و نذبه، ظاهر شدن امام را طلب می‌کنند.

درس دهم : مرجعیت و ولایت فقیه

"وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ..."

۱- دلایل وجوب کوچ کردن گروهی (نه همه) از مومنان (به ترتیب): ۱. تفقه در دین - فقیه ۲. انداز مردم (لیندروا قومهم) ۳. برحذر داشتن از نپایدها (يحذرون) پیامبر (ص) : حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی حکم و نظر امام را نمی‌داند...

* منابع فقها در رابطه با استخراج احکام جدید : (۱) قرآن کریم (۲) سیره و سنت پیامبر و امامان

* مسئولیت‌های دوگانه امامت در عصر غیبت: (۱) مرجعیت دینی ← مرجعیت فقیه (توسط فقیهان واجد شرایط)
(۲) ولایت ظاهری ← ولایت فقیه (توسط ولی فقیه)

* شرایط ولی فقیه یا رهبر (۱) مشروعیت ← دین : (۱) باتقوا باشد
امام صادق (ع) : **مِنْ كَان مِنَ الْفُقَهَاء صَانِتاً لِنَفْسِهِ ، حَافِظاً لِدِينِهِ**
مُخَالِفاً لِهَوَاهُ ، مُطِيعاً لِأَمْرِهِ مَوْلَاهُ
(۲) عادل باشد
(۳) زمان‌شناس باشد ← آگاه به شرایط زمانه
امام زمان خطاب به اسحاق بن یعقوب: **و اما الحوادث واقعۀ فارجعوا فیها الی رواة**
← در مورد رویدادهای جدید به راویان حدیث مراجعه کنید
(۴) با تدبیر و با کفایت باشد ← نقشه‌ی دشمنان را خنثی سازد
(۵) شجاعت و قدرت روحی داشته باشد ← در مقابل تهدیدها بایستد
(۲) مقبولیت ← مردم

نکته ۱ : مسلمانان در مسائل اجتماعی باید به فقیه مراجعه کنند ← لزوم تشکیل حکومت الهی و نفی طاغوت

نکته ۲ : اداره جامعه با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان‌پذیر است، در غیر این صورت هرج و مرج و تفرقه پیش می‌آید.

نکته ۳ : تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه ی یک الگو از حاکمیت دینداران است و فرصت آن را می‌دهد که آنچه برای ظهور لازم است فراهم گردد.

* وظایف رهبر

۱- تلاش برای اجرای احکام ← جلوگیری از خروج جامعه از مسیر قوانین الهی

۲- حفظ استقلال کشور ← با استقامت و بستن راه‌های سلطه - کشورهای بیگانه، همواره در صدد سلطه بر کشورهای دیگرند ← فشار اقتصادی

۳- تصمیم‌گیری بر اساس مشورت ← لازمه‌ی اداره جامعه و رهبری آن

۴- ساده زیستی ← با الگو قرار دادن اولیای دین

❖ وظایف مردم

نکته : رهبر جامعه اسلامی، رهبری کسانی را بر عهده دارد که می‌فواهند در سایه قوانین اسلامی مسیر رستگاری را بیمایند.

۱- وحدت و همبستگی اجتماعی — به رهبری امکان می‌دهد برنامه اسلامی را اجرا کند
- تفرقه — تسلط سلطه گران
- وحدت — قوی ساختن کشور

۲- استقامت و پایداری — برای رهبر فرصت مقابله با مشکلات را فراهم می‌کند

۳- افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی — لازمه تصمیم‌گیری صحیح در برابر قدرت‌ها
- به‌گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین ضربه را زده و کم‌ترین ضربه را بخوریم - تقیه

۴- مشارکت در نظارت همگانی — رهبر مردم را پشتیبان خود می‌یابد و هدایت جامعه آسان‌تر می‌شود.
- در برابر گناه در جامعه همه‌ی مردم مسئول هستند

۵- اولویت به اهداف اجتماعی — رهبر در اداره‌ی جامعه موقت‌تر خواهد بود.

- اولویت اهداف اجتماعی بر منافع فردی — خرید کالای ایرانی

❖ نکات عهدنامه‌ی مالک اشتر
❖ در تبیین مسئولیت کارگزاران
❖ دوستی و مهربانی با مردم زیرا: مردم دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، دسته‌ای دیگر همانند در آفرینش
❖ نداشتن تکبر با نظر در عظمت الهی زیرا: نداشتن تکبر تو را از سرکشی نجات می‌دهد، تندروی تو را فرومی‌نشاند
❖ و عقلت را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند.

❖ دور کردن عیب‌جویان زیرا: مردم عیب‌هایی دارند که رهبر جامعه بیش تر از همه باید در پنهان کردن آنها بکوشد.
❖ شتاب نکردن در پذیرش حرف سخن‌چین زیرا: در لباس نصیحت ظاهر می‌شود اما خیانتکار است.
❖ مشورت نکردن با ترسو زیرا: در کارها روحیه‌ی تو را بسست می‌کند
❖ تفاوت گذاشتن میان نیکوکار و بدکار زیرا: در غیر این‌صورت نیکوکار نسبت به کار خیر بی‌ رغبت و بدکار به کار بد تشویق می‌شود.

❖ توجه به طبقات محروم و تعیین گروهی برای تحقیق در رابطه با وضع آنان زیرا: این گروه بیش از دیگران به عدالت نیاز دارند .

❖ اگر با دشمنی پیمان سستی از پیمان شکنی غافل نباش زیرا: دشمن گاهی از ایم راه تو را غافلگیر می‌کند.

❖ نکات حدیث امیرالمومنین در رابطه با مسئولیت‌های رهبر و مردم :
❖ بزرگترین حقی که خداوند واجب کرده است حق رهبر بر مردم و حق مردم بر رهبر است
❖ این حق و مسئولیت آنها سبب ایجاد دوستی و الفت در میانشان و ارجمندی دینشان میشود
❖ حق زمانی در جامعه ارزشمند می‌شود که مردم و رهبر وظایف خود را انجام داده باشند

❖ تفاوت نظام دموکراتیک و نظام جمهوری اسلامی :
(۱) حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی بنا می‌شود — نظام مردم‌سالاری دینی
(۲) نظام دموکراتیک تنها خواسته‌های دنیوی مردم را مد نظر دارد و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتناست در حالی که هدف اصلی نظام اسلامی سعادت اخروی و عدالت اجتماعی است.

درس یازدهم : عزت نفس

ذلت — شکست‌پذیری و تسلیم شدن

عزت — شکست‌ناپذیری

"لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ" — انسان عزیز

❖ آثار نیکی و گناه بر عزت انسان

۱- به ترتیب بر خورده‌ای از پادشاهان قزوين، تیشستن گرد ذلت بر چهره (عزیز در برابر گناه) معلول انجام عمل نیک عنوان گردیده است.
"وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْثِلُهَا وَيُرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ" — انسان ذلیل
۲- بر خورده‌ای از جزاء الهی و تیشستن گرد ذلت و خواری بر چهره (ذلت در برابر گناه) معلول روی آوردن به گناه می‌باشد.

❖ راه‌های تقویت عزت نفس

۱- شناخت ارزش خود

- قرآن کریم : ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم... و بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم.

- حدیث : ای فرزند آدم، این مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم

خداوند به انسان وعده دیدار داده و بهشتی به وسعت همه آسمان‌ها و زمین برایش آماده کرده است.

امام علی (ع) : " إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا "

۲- توجه به عظمت خدا و بندگی او

- خداوند سرچشمه همه عزت‌هاست. ← برای رسیدن به عزت بندگی او لازم است (توحید عملی)

- امام علی (ع) در وصف کسانی که با بندگی خدا به عزت رسیده‌اند: «خالق جهان در نظر آنان عظیم است در نتیجه غیر خدا در چشم آنان کوچک است» (عَلَتْ)

- امام علی (ع) در وصف کسانی که تسلیم خداوند هستند: «بنده کسی مثل خودت نباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است» (معلول)

نکته: نوجوانی و جوانی بهترین زمان برای پاسخ منفی به تمایلات پر است، زیرا:

۱. هنوز به گناه عادت نکرده است ۲. فواسته‌های نامشروع در وجود او ریشه‌دار نشده است ۳. به بیان پیامبر به آسمان نزدیک‌تر است

نکته: شکست درونی مقدم بر شکست بیرونی است و علت گناه فور انسان است. ← اکثر مهربان و گناهکاران

* تمایلات انسانی: (۱) تمایلات عالی ← مربوط به بعد معنوی یا خود عالی ← پیرو به عقل و وجدان و نفس لوامه

(۲) تمایلات دانی ← مربوط به بعد دنیوی یا خود دانی ← پیرو به نفس اماره

بد نیستند، برای زندگی ضروری‌اند، حدشان را خدا می‌داند که در احکام مشخص شده است.

درس دوازدهم: پیوند مقدس

* رسول خدا (ص): محبوب‌ترین بنا نزد خداوند ازدواج است.

* علل یکسانی منزلت زن و مرد "مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا"

۱- ویژگی‌های فطری یکسان ۲- هدف خلقت مشترک

* علل تفاوت خلقت زن و مرد

۱- به هم نیازمند باشند بدون برتری کسی بر دیگری ۲- وظایف مختلف آن‌ها در خانواده برای ایجاد یک خانواده متعال

* اهداف ازدواج: (۱) پاسخ به نیاز جنسی ← ابتدایی‌ترین زمینه شکل‌گیری خانواده- از دوران بلوغ- اولین کشش بین دختر و پسر

آرامش روانی یا پاسخ صحیح به آن

(۲) انس یا همسر ← زن مبدا آرامش خانواده می‌باشد. این نیاز پس از بلوغ است = زندگی یا دیگری

بی‌قراری و ناآرامی زن و مرد فقط با در کنار همسر بودن برطرف می‌شود.

"خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا"

(۳) رشد و پرورش فرزندان/فرزند ← تحکیم‌بخش وحدت‌روحي زن و مرد می‌باشد، دوام وجود آن‌ها

"وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً"

(۴) رشد اخلاقی و معنوی ← وفاداری، مسئولیت‌پذیری، حسن خلق، ...

"جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً"

۱- مودت و رحمت زمینه‌ساز آرامش دورنی در خانواده است (ارتباط مورد ۲ و ۴)

* حفظ عفاف و پاکدامنی ← دوره ی بلوغ تا ازدواج حساس‌ترین دوره ی زندگی انسان

قرآن (۱) از دختران و پسران می‌خواهد قبل از ازدواج عفاف پیشه کنند تا خدا زندگی‌شان را سامان دهد.

(۲) در فکر رابطه ی پنهان و آشکار یا جنس مخالف نباشند، که زیان آن تا ابد دامن‌گیر آنهاست و در

نسل‌های آینده آن‌ها اثر می‌گذارد.

نکته: نظام هستی بر عدالت

آخر آیه خوانی:

"وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ"

(آفرینش هم‌تایی از منزلت خود انسان نشانه‌ای برای اندیشمندان می‌باشد)

"وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ اَقِيَابَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَيَنْعَمَتِ اللّٰهُ هُمْ يَكْفُرُونَ"

(اعطای فرزندان و روزی‌های پاک به آدمی عامل دوری از باطل و کفران نعمت می‌باشد)

❖ اولین و اصلی‌ترین معیار همسر شایسته یا ایمان بودن او می‌باشد — لازم‌ه‌ی این انتخاب تسلط بر شور و احساس جوانی است.

❖ رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد باطل است و مشروعیت ندارد.

❖ امام علی در رابطه با لزوم مشورت با پدر و مادر در مورد انتخاب همسر (۱- علاقه و محبت به فرزند ۲- تجربه و پختگی) می‌فرمایند:

حب الشی یعمی و یصم: علاقه و محبت اولیه چشم و گوش را می‌بندد و عقل را به حاشیه می‌راند — ضرورت اذن پدر برای ازدواج دختر

نکته: معاشرت‌هایی که منشأ هوس‌های زودگذر دارد درست نیست — هر طرف می‌فواهد فور را بهتر نشان دهد — سستی رابطه و پدایی

❖ اهمیت ازدواج به موقع در کلام پیشوایان

پیامبر اکرم (ص): کسی که ازدواج کند **نیمی از دین خود** را حفظ کرده است پس باید برای نصف دیگر آن از خدا **پروا** داشته باشد

پیامبر اکرم (ص): برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقتان را نیکو کند و در رزق و روزی آنها توسعه دهد و عفاف و غیرت آنها را زیاد گرداند.

امام صادق (ع): دو رکعت نماز شخص **متاهل**، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص **مجرد** می‌خواند.

نکته: ازدواج یک نیاز طبیعی و برای پاسخ‌گویی به قانون خلقت انجام می‌شود.

نکته: بلوغ جنسی و بعد از آن بلوغ عقلی از ملزومات ازدواج به موقع است — نباید فاصله آن‌ها زیاد شود — توصیه پیشوایان به ازدواج و دوری پدر و مادر از آداب و رسوم غلط

❖ ازدواج در زمان مناسب — شادابی، سلامت، رشد طبیعی، احساس رضایت درونی

❖ پاسخ به نیاز جنسی به شیوه ناصحیح — لذت آنی برخاسته از گناه، روح و روان را پژمرده می‌سازد و شخصیت را می‌شکند.



درس اول: هستی بخش

* برترین عبادت‌ها، اندیشه در مورد خداست.

پیامبر (ص): "أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِكْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَفِي قُدْرَتِهِ"

۲. می‌داند آفریننده‌ای حکیم آفرینش را هدایت می‌کند

* شناخت فطری انسان از خدا: ۱. حضورش را درک می‌کند

۳. به موجودات مدد می‌رساند ← "شناخت‌های اولیه از خدا هستند"

حجت یا استدلال: مقدمه ۱: ما و این جهان پدیده ایم، هیچ پدیده‌ای در وجود به خود متکی نیست، ممکن بود نباشیم ← ممکن الوجود
در نیاز به پیدایش مقدمه ۲: نیاز به پدیدآورنده برای موجود شدن

+ ذات یافنده از بی‌نیشت
چون تولد که بود، بی‌نیشت
+ کمک بری که بود آب تنی
نمیدانوی منت آب دهی

نتیجه: ما و این جهان برای به وجود آمدن نیازمند ذات به خود متکی {خدا} هستیم ← واجب الوجود ← ذات و حقیقت - موجود بودن قائم به ذات یا به ویژگی چیزی که پدیده نیست خود متکی

"يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ"

موجودات نیازمندی دائمی موجودات بی‌نیازی خداوند - عدم وابستگی

هر معلولی همواره نیازمند علت خود است (مانند جریان برق و مولد برق)

* نیازمندی های جهان به خدا در بقا

خداوند هستی بخش ما و خواص و ویژگی های ماست (اما بنا تنها جابه‌جا کننده و نظم دهنده است)

نتیجه: وجود (پیدایش) و هستی (تبا) ما وابسته به خداست (علت)، هر لحظه اراده کند ما را از بین می‌برد (معلول) ← نیازمندی ما به خدا ثابت است و

تغییر نمی‌کند

نیاز دائمی موجودات به خدا ← عرض تیار به پیشگاه او

"يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ"

حاکمیت اراده‌ی خداوند و وابستگی موجودات (علت)

عرض نیاز به پیشگاه خدا (معلول)

ماچو کیم و مادر مازتوت

ماچو کیم و مادر مازتوت

قرآن: "اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ"

امام علی (ع): ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه

به هر چیزی که دید اول خدا دید

ولی که سرف نور و معادید

به ما یکرم میا تو نم

به ما یکرم میا تو نم

* مشهود بودن خداوند در مخلوقات:

↓
آشکار شدن - عرصه هستی
تجلی بخش - نشانگر

نکته: این که انسان در هر چیز فرا را ببیند معرفتی عمیق و والا است که لازمه‌ی آن پاکی و صفای قلب در کنار عزم و تصمیم است ← کمک خداوند به دنبالش فواید بود.

وجود داشتن

اندازه و ابعاد ← یا احاطه بر آن چیز

هستی ← صفات

امور محدود

ویژگی

چیستی ← ذات

شکل

← امور محدود و نامحدود

پیامبر (ص): "تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ"

نکته: به پیوستی هر چیزی غیر از فرا می‌توان پی برد، چون تنها فراوند نامفروز و مطلق است.

درس دوم و سوم: پرستش

در کنار خدا

توحید (+) ≠ شرک (-):

خدا به نون
"لا إله إلا الله"

الف) نظری: اعتقاد، باور، تفکر و ...

* توحید در خالقیت: خَلَقَ

تنها اصل و مبدا و منشا جهان است
در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد
سرچشمه - پدیدآورنده - هستی بخش

* توحید در مالکیت: لِلَّهِ ← چون خداوند پدیدآورنده‌ی جهان است

* توحید در ولایت: ولی - حکمه ← دخل و تصرف، سرپرستی و فرمانروایی، تغییر، استفاده‌ی بندگان با اوست

* توحید در ربوبیت: قُلْ أَعْلَمُ بِاللَّهِ أَبْغَىٰ رَبًّا (معلول) وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ (علت)

رب آن صاحب اختیاری است که تدبیر امور به دست اوست

یگانه فاعل و کننده‌ی همه‌ی افعال جهان است - کار، حرکت، تاثیرگذاری، نیرو،

فعال ما یشاء

تدبیر، پرورش، هدایت، اداره و اراده

باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند رشد آن‌ها نتیجه تدبیر

اوست، اما تدبیر او تحت اراده و تدبیر خداست.

ب) عملی یا عبادی هر جا صحبت از پرستش، ستایش، اطاعت، رضایت خدا شد - زندگی توحیدی

(نتیجه نظری):

ریشه حمد و عباد

توحید:

انسان موحد

فردی

تمایلات درونی، تصمیم، فعالیت‌ها - تنظیم در جهت خدا
هیچ حادثه‌ای بی حکمت نیست
شخصیت ثابت و آرامش روحی
بدن، امانت الهی است
کمک به بقای حیوانات

شرب: کسب رضایت
هوای نفس (بت درون) - "الیه هواه"
قدرت‌های مادی و طاغوت (بت بیرون)

نتایج: درون ناآرام
شخصیت ناپایدار
"یعبده الله علی حرف"

توحید:

قرارگیری نظام اجتماعی در جهت خداوند
زمانمدار جامعه - شرایط الهی را داشته باشد
اجرای قوانین الهی در جامعه
حرکت اقتصاد و فرهنگ در جهت عدالت گستری
حرکت به سوی وحدت و هماهنگی
مبارزه با ظالمان و دفاع از محرومان و مستضعفان

شرب: منافع شخصی

نتایج: تعارف و تضاد

امکان رشد

قدرت ستمگران

حاکمیت طاغوت

تقدم ربوبیت بر عبادت — الحمد لله رب العالمین ربی و ربکم فاعبدوه



اهداف → واسطه‌ها : آتش، اولیاء...
گرماء شفا...

نکته ۱ : رابطه علیت

نکته ۲ : میان بعد فردی و بعد اجتماعی توفیر عملی رابطه‌ی متقابل برقرار است.

نکته ۳ : علل شکل‌گیری بت پرستی پدری:

۱- برفی، جهان خلقت را ملک خود می‌داند و حق تصرف و پرورش به خود می‌دهد — تقدیر مضطرب نیست

۲- سرگرم شدن انسان به امور دنیوی — غراموشی فراوان

نکته ۴ : بت پرستی پدری آن است که برفی از انسان‌ها در عین قبول داشتن فراوان (توفیر نظری) دین و دستورات دینی را وارد زندگی نمی‌کنند (توفیر عملی) و تمایلات دنیوی را معیار می‌گذارند.

توحید در ربوبیت شرک در ولایت

"قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ"

علل رد شرک در ولایت

شرک در خالقیت زمینه‌ساز شرک غملی می‌شود

ترجمه: بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ بگو خدا است، بگو آیا غیر از او سرپرستی گرفته‌اید که حتی اختیار سود و زیان خود را ندارند؟ بگو آیا نابینا و بینا برابر است؟ آیا تاریکی و روشنایی برابرند؟ یا آن‌ها شریک‌هایی برای خدا قرار داده‌اند که آن شریکان هم مثل خداوند مخلوقی خلق کرده‌اند و خلقت‌ها بر آن‌ها مشبه شده است. و از این رو شریکان را نیز مستحق عبادت دیده‌اند؟

عبادت ظاهری خداوند به هنگام آسودگی خاطر شخصیت ناپایدار انسان مشرک

"وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَغْبِطُ اللَّهَ عَلَىٰ إِحْرَافٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ اِنْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخَسِرَانِ الْمُبِين"

ترجمه: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی عبادت و بندگی می‌کند، پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می‌شود. او در دنیا و آخرت زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.

درس چهارم : اخلاص

اخلاص } لغت : خالص کردن و پاک کردن یک چیز از غیر آن
دین : انجام عمل برای رضای خداوند - توحید عملی
اسلام : شرط قبولی اعمال نزد خداوند

افزایش ارزش اعمال = افزایش اخلاص اعمال

پیامبر (ص) : مؤمنان با توجه به مراتب اخلاصشان بر یکدیگر برتری پیدا می‌کنند.

امام صادق (ع) : عمل خالص آن عملی است که دوست‌نداری کسی جز خداوند به خاطر آن کار، تو را ستایش و تمجید کند. — یکی از مراتب بالای اخلاص

اخلاص در بندگی (رفتار و کردار) } اخلاص در اندیشه — باور به یگانگی خدا در تدبیر و اداره‌ی امور جهان - ربوبیت
انسان مؤمن — به خدا دل می‌بندد
با کسانی که خدا سفارش کرده است، انس می‌گیرد

نا نیت و قصد قلبی خدایی نشود، عمل خدایی نمی‌شود.

پیامبر (ص) : "نَبِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ" "إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ"

امام علی (ع) : "فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَ فَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ"

"قُلْ إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَقَرَأْدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا"

۱- تنها اندرز خداوند به بندگان قیام خالصانه برای او می‌باشد.

"أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ"

۱- آیه خطاب به کسانی است که گرایش فطری خود به بندگی خدا را نادیده گرفته و بنده‌ی هوی و هوس و نفس و شیطان گردیده‌اند.

۲- عبادت خداوند (اخلاص)، تنها راه درست زندگی است.

حسن فاعلی ← معرفت در سنت و نیت الهی

عمل خالص

حسن فعلی ← خدایی بودن کمیت، کیفیت، زمان، مکان و شیوه عمل

ریا = حسن فاعلی - عمل خالص

راه‌های برنامه‌ریزی (۱) افزایش معرفت به خدا: تقویت انگیزه عبودیت (علت) خدا از ما می‌خواهد در خلقت تفکر کنیم (معلول)

عمل یا معرفت ارزش بیشتری دارد
"تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ"

(۲) راز و نیاز با خدا ← غفلت از خدا را کم می‌کند، افزایش محبت خدا در قلب، بهره‌مندی از کمک‌های الهی

(۳) دوری از گناه و انجام واجبات: (امام علی (ع): تمام اخلاص در دوری از گناهان است

(امام علی (ع): علت وجوب روزه آزمایش اخلاص انسان‌هاست

ثمرات اخلاص:

۱. حکمت: به معنای علم محکم و استوار و به دور از خطاست
فوائد: ۱. شناخت هدف درست و راه رسیدن به آن ۲. مانع لغزش و تباهی ۳. تشخیص حق از باطل ← حتی در شرایط سخت

پیامبر (ص): چهل روز کار خالصانه ← رسیدن به حکمت و معرفت

۲. شیطان: پرو این دام بر مرغی دگر نه.....

گرفتاری به آن ← از دست دادن زندگی پاک
از بین رفتن شادکامی آخرت

انسان‌های مخلص به خودشان بازمی‌گردند اقرار زلیخا به پاکی حضرت یوسف تهدید زلیخا در مقابل خواسته‌اش از یوسف

"قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرَهُ لَيَسْجُنَ وَلْيَكُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ قَالَ رَبِّ السُّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ

مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ"

عدم نفوذ شیطان در انسان مخلص همراهی با گناهکاران و ورود به وادی جهل از نتایج عدم محافظت خداوند از انسان‌های با اخلاص است

ترجمه: (همسر عزیز مصر) گفت این همان کسی است که به خاطر (عشق) او مرا سرزنش کردید. (آری) من او را به خویشتن دعوت کردم و او خودداری کرد.

و اگر آنچه را دستور می‌دهم انجام ندهد به زندان خواهد افتاد و مسلماً خوار و ذلیل خواهد شد! (یوسف) گفت پروردگارا! زندان نزد من محبوب‌تر است از آنچه این‌ها مرا به سوی آن می‌خوانند و اگر مکر و نیرنگ آن‌ها را از من بازگردانی قلب من به آن‌ها متمایل می‌گردد و از جاهلان خواهم بود.

۳. پادشاه‌های دیدار محبوب حقیقی
وصف ناشدنی

تهایت آرزوی عارفان
دوست دل‌های صادقان
ولی مؤمنان
معبود عالمیان

تن‌راکن بهر جانت کند ← ولایت معنوی

بنگ کن تا که سلطانت کند

درس پنجم: اختیار

* اختیار :



حقیقتی
وجدانی

"إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا"

"قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ"

۱- علیت حکمت الهی برای فرستادن رهنمون‌های رهگشا معلولیت دارا بودن قوه اختیار و مبلغ بودن پیامبر

۲- مسئولیت پذیری

"ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ"

۱. (علت) ۲. (معلول)

۱- گرفتاری در مشکلات نتیجه اعمال اختیاری خود انسان است

۲- سلب صفت ستمگری از خداوند

تفکر و تصمیم‌گیری ← این که فردا این کنم یا آن کنم... (اندیشه- سنجیدن- تردید- بررسی)

* دلایل وجود اختیار { احساس رضایت یا پشیمانی ← اگر نبودی اختیار این شرم چیست... (موفقیت ← خرسندی، شکست ← ندامت)

مسئولیت پذیری ← هیچ گویی سنگ را فردا بیا... (پذیرش عواقب- جبران- عهد و پیمان- مستحق مجازات)

در هر حادثه ای به دنبال هدفی می باشد

قره‌ای که جویدی میرود از پی انجام کاری میرود

جهان دارای نگهدارنده است

اعتقاد به خدای حکیم، عادل و قادر

شکوفایی اختیار

شناخت قانون مندی های جهان ← قضا و قدر

رفع نیازهای خود

"إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا..."

۱- ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه‌ی او، همچنین این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان دارای حافظ و نگهدارنده‌ی است ← که

اشتیاء در کار او راه ندارد. ← امروز و فردای خود را بسازیم و از ثمرات آن (اختیار) بهره‌مند شویم

- کشتی جهان ناخدایی دارد که به دلیل علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی‌رود و

هیچکس جز او نمی‌تواند آن را از نابودی نجات دهد.

* قانونمندی جهان و ارتباط ظریف قضا و قدر ← ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم.

(۱) برای زندگی برنامه‌ریزی کنیم

(۲) قله‌های کمال را پیماییم

(۳) تا جایی پیش‌رویم که فقط خدا عظمت آن را می‌داند

استفاده از اختیار:

قدر (ناشی از علم و حکمت الهی): طرح، نقشه، الگو، هدف، برنامه، موقعیت زمانی و مکانی، ویژگی، حدود، اندازه، پیش تولید ←

"لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ" / "إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ..."

قضا (ناشی از اراده الهی): به اجرا رساندن، پایان دادن، حتمیت بخشیدن، ساختن، خلق کردن ... ← "كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ"

"مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ..."

موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آن‌ها را تعیین می‌کنند ← مقدر به

تقدیر الهی و از آن جهت که با حکم، فرمان قانون و اراده‌ی الهی ایجاد می‌شوند ← مربوط به قضای الهی هستند

* پذیرش قضا و قدر عامل زمینه ساز تحرک و عمل است. ← آبی که با اراده‌ی خود می‌نوشیم، به‌خاطر اعتماد به قضا و قدر الهی است.

امام علی (ع): از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم

به خاطر مسخر کردن دریاها

"اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ... لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ"

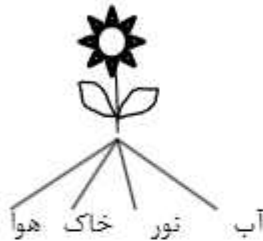
+ ویژه انسانی ها

قضای الهی

۱- علیت قضای الهی در هرآنچه در آسمان و زمین و دریا است معلولیت تلاش انسان در استفاده از آنها یا درک قانونمندی های خلقت، تقدیرات و قانونمندی ها: (۱) هم لازمه ی کار اختیاری انسان است

"لاشمس ینبغی لها ان..." ← عدم خروج موجودات از قانونمندی (۲) هم جهت دهنده و محدود کننده ی آن

علل عرضی: هرگاه مجموعه ای از عوامل طوری یا هم همکاری داشته باشند که هر عامل به شکل مستقیم و مستقل نقشی بر عهده داشته باشد متفاوت از عوامل دیگر چنین همکاری میان علل عرضی است یعنی عاملی باعث فعالیت عوامل دیگر نیست.



تذکر: در این رابطه یا حذف یک عامل معلول نداریم؛ اما کار هر عامل به عامل دیگر وابسته نیست.

علل طولی: هرگاه عامل در سطح بالاتر موجب فعالیت عوامل پایین دستی شود طوری که بدون تاثیر عوامل بالایی فعالیت عامل پایین ممکن نباشد چنین همکاری میان علل طولی است.

تذکر: در این رابطه یا حذف یک عامل معلول نداریم؛ اما کار هر عامل به عامل قبل از خود وابسته است.



نکته: اراده انسان در طول اراده فراست و با آن منافات ندارد

درس ششم: سنت‌های خداوند



درس هفتم: بازگشت

* بعد از شناخت خدا، حرکت برای کسب کمالات است با: - انجام واجبات - ترک محرمات
سبقت رحمت بر غضب

"فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ"

- ۱- "صراط مستقیم" همان بندگی خداوند است ← "فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ" ، "اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ" معلول علت
- ۲- ایمان به خدا و یاری از او ← بهره‌مندی از رحمت الهی و هدایت یافتن (توفیق الهی)

* **توبه:** * توبه گناهان را از قلب خارج می کند و آن را شستشو می دهد، این عمل را "پیرایش" یا "تخلیه" گویند.

امیرالمومنین (ع): التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب

رسول خدا(ص): التائب من الذنب كمن لا ذنب له

انقلاب علیه خود: التائب من الذنب

۱. یا پیروی از عقل علیه تمایلات ناپسند خود قیام کنیم

۲. یا پیروی از نفس امّاره از فرمان الهی سرپیچی کنیم

- توبه انسان، به معنای برگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند و قرار گیری در دامن غفران الهی و بازگرداندن آرامش به قلب انسان

- توبه خداوند، به معنای بازگشت از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش

نکات توبه:

۱- با توبه همه گناهان حتی شرک هم آمرزیده می شود.

"قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنْبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ"

علت

معلول

سبقت رحمت بر غضب

مخاطب آیه

۲- توبه + ایمان + عمل صالح - تبدیل گناهان به حسنات

۳- توبه در جوانی آسان تر است. ← پیامبر (ص): کسی نزد من محبوب تر از جوان توبه کار نیست

۴- در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست.

۵- تکرار توبه، اگر واقعی باشد موجب محبوب تر شدن آدمی می شود.

"إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ"

زیرا می بیند چنین شخصی خداوند در قلبش است

* حیل‌های شیطان

۱- گناه کن بعد توبه کن ← وقتی پرونده اعمال سنگین شد ← آب که از سر گذشت، چه یک وجب، چه صد وجب

طبع زین کرامت برکت خلق کریم
کز غمخواران و مأیوسان غمناک

امروز و فردا کردن

۲- تسويف بیشتر شامل جوانان است

موجب عادت انسان به گناه می شود و پشیمانی قلبی نباشد

۳- حرکت تدریجی به سمت گناه (استدراج) ← قبح گناه از بین می رود

* اصلی ترین مرحله توبه پشیمانی است ← همراه با عبارت "استغفار"

ظاهر ندامت ظاهری در حال انجام گناه استغفار را از بین می برد

عدم تکرار گناه

امام رضا (ع): "الْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَ يَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَغْفِرِ بِرَبِّهِ"

حق الله ← اطاعت و بندگی - توحید عملی ← مهم ترین حق

حق

حق الناس

مادی

معنوی

(مهمتر)

دروغ، غیبت، تهمت

بی حرمتی به پدر و مادر

گسترش فساد و تباهی

انجام رفتاری که سبب بدبینی دیگران به دین شود

راه جبران ← کسب رضایت ← در اولویت

دعا - صدقه

مراحل تکمیلی توبه

* **توبه اجتماعی:** اگر جامعه ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است، یعنی

نیازمند توبه است. ← امر به معروف و نهی از منکر

نمونه هایی از گناهان اجتماعی: رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، اطاعت از غیر خدا، ظلم کردن و ظلم پذیری

* بهترین زمان برای توبه جوانی است.

پیری ← کم شدن انعطاف و تثبیت خوی و خصلت ها

جوانی ← انعطاف پذیری و تحول و دگرگونی

درس هشتم: احکام الهی در زندگی امروز

* رمز رستگاری ← تزکیه نفسی است { با توبه آغاز می شود
با احکام تداوم می یابد }

"قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا"

* عمل به احکام (زندگی دینی) تنها شیوه مطمئن و قابل اعتماد برای هر انسان خردهمند و عاقبت اندیش است.

"أَقِمْنَ أَسْوَئَ بَنِيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنَ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ"

۴

۳

۱- بهترین بنای زندگی، عمل به احکام است ← کسانی که به دنبال تقوا و خشنودی خداوندند

۲- منظور کسانی هستند که عمل به امیال شخصی را بنای زندگی می گذارند

۳- تصویر قرآنی از عاقبت سهل انگاری در عمل به احکام

۴- سرانجام بیداد در برابر احکام

نکاتی در زمینه احکام

۱- میان نعمت های الهی در آخرت و انجام احکام دین ارتباط و هماهنگی دارد ← یک زندگی جدی و عزم قوی می خواهد ← برای کسی که به دنبال تمایلات نفس است امکان پذیر نیست.

۲- اگر جوامع بشری دچار انحراف شدند نمی شود اسلام مطابق با آن ها حکم کند ← با اینکه در هر دوره و زمانه ای قابل اجراست.

مثال ۱: قوم لوط و خواسته های نامشروع آن ها

مثال ۲: شراب و قمار ← میان اعراب قبل از اسلام نیز رایج بوده است.

"يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا"

گناهان کبیره برد غمارباز علت حرمت شراب و غمار

سود شراب فروش

* با روی کار آمدن بنی امیه و بنی عباس شراب و قمار رواج یافت ← زشتی آن هیچ گاه فراموش نشد

* **علل حرمت غمار:** ۱- کار بیهوده است ۲- پول و ثروت مردم را در مسیری که فایده ای ندارد به کار می گیرد ۳- میان طرفین قمار، کینه ایجاد می کند

مثال ۳: ارتباط جنسی خارج از چارچوب شرع ← بازگشتی به دوران جاهلیت

نتایج: ۱. خانواده استحکام خود را از دست می دهد ۲. افزایش فرزندان تک سرپرست ← **گناه کبیره است**

"وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِتَهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلٌ"

حرمت زنا (معلول) علت

۲- خداوند نصیحت گر حقیقی مردم است (علت) ← تابلوهای خطر را به ما نشان داده است تا مردم خطرات را بشناسند و از آن دوری کنند. (معلول)

- خداوند به ضررهای یک عمل نگاه می کند، نه دوست داشتن یا نداشتن ما

قرآن کریم: "و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمی دانید"

۴- هر دستور خداوند علت و دلیل خاص دارد ← **حکمت آن حکم**

- علم ما به احکام در مقابل خداوند ناچیز است ← زیرا خداوند وضع کننده ی احکام است.

- با فهمیدن حکمت یک حکم نمی توان به حکمت همه احکام پی برد.

* فرهنگ و تمدن امروز با بسیاری از دستورات دینی در تعارض است ← رعایت احکام را سخت کرده است

* اعتماد و عمل به احکام: - آگاهی بیشتر دیگران نسبت به اسلام ← دفاع از اسلام در صحنه عمل و زندگی

* برخی از احکام الهی

الف) عرصه فرهنگ و ارتباطات

۱- تولید فیلم ← اعتلای معارف اسلامی و تربیت دینی ← **مستحب، در شرایط ویژه واجب کفایی** برای

۲- تولید سایت ← اشاعه ی فرهنگ اسلامی مقابله با ابتذال اخلاقی ← **مستحب در مواردی واجب** برای

نکته: اینترنت و رسانه مهم ترین ابزارهای کشورهای سلطه گر هستند ← ضرورت عدم پذیرش سلطه رسانه ای ← نفی سبیل

۳- تولید فیلم و لوح و مجله و روزنامه ← گسترش فرهنگ اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگ ← **عمل صالح، واجب کفایی، پاداش اخروی بزرگ** برای

۴- هر نوع موسیقی حلال و جایز است ← موسیقی که شهوت را تقویت می کند مناسب مجالس لهو است - **حرام** به جز

۵- آلات موسیقی برای برنامه‌های فرهنگی ← حلال و جایز است

۶- لوح فشرده که موجب انحراف و فساد یا دربردارنده‌ی موسیقی لهو ← حرام و از گناهان کبیره

۷- مجالس شادی و جشن‌های محلی ← جایز ← ^{به قصد} صله رحم یا تبلیغ دین ← مستحب

ب) عرصه ورزش و بازی

۱- ورزش و بازی اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد مستحب است.

۲- شرط بندی از امور زبان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آن حرام می‌باشد.

۳- اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دوزیدن افراد جامعه از فساد باشد فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی

۴- کسانی که با همراه کردن دیگران موجب سلامت اخلاقی آنان در ورزش‌های دست‌جمعی می‌شوند از پاداش اخروی بهره‌مندند.

ج) عرصه اقتصاد

- تولید انبوه و مصرف فراوان ← سبک اقتصادی عصر حاضر که موجب: ۱. مصرف منابع ۲. تخریب محیط زیست

- ساختار اداری پر مصرف و کم بازده، وجود مشاغل کاذب، عدم استفاده صحیح از منابع ← تشدید آسیب مصرف‌گرایی در کشور

* برخی عوامل رشد اقتصادی:

۱- مدیریت اقتصاد به گونه‌ای که:

الف) استقلال اقتصادی و عدم سلطه بیگانگان (نفی سبیل) ب) عدالت و کاهش فقر ج) حرکت به سوی آبادانی و دوری از تجمل‌گرایی و دنیا زدگی

۲- روزی حلال که در تربیت فرزندان و اقتصاد کشور تأثیر دارد.

۳- دوری از ربا و شناخت احکام تجارت، پیش از انجام آن ← امام علی (ع)

۴- استفاده از کالای مرغوب تولید کشور

۵- اشرافی‌گری برخی مسئولین، فساد مالی و اداری ← مهم‌ترین عامل عقب ماندگی اقتصادی است که موجب:

الف) آثار منفی اقتصادی ب) بی‌اعتمادی عمومی ج) رواج تحلیل‌گرایی

مسئولین با اسوه قرار دادن خود برای دیگران و مردم با امر به معروف و نهی از منکر اقتصاد را سالم نگه دارند

۶- پیشرفت علمی و قناعت در استفاده از منابع

۷- جلوگیری از تخریب محیط زیست

۸- دوری از مدگرایی در مقابل افراد بی‌بضاعت

۹- عدم پذیرش سلطه اقتصادی بیگانگان (نفی سبیل)

۱۰- جلوگیری از ارتباط با رژیم صهیونیست ≠ حرام است

درس نهم: پایه‌های استوار

+ ویژه انسانی‌ها +

* گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام - تغییر نگرش انسان‌ها

[تحول در شیوه زندگی فردی و اجتماعی]

* معیارهای تمدن اسلامی

۱- توحید ← ابتدای دعوت

۲- معاد ← فرا رفتن مردم از محدوده زندگی دنیا

انجام امور دنیوی در جهت سعادت اخروی

"مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ"

ولایت الهی حاکمیت داشته باشد

۳- ولایت مداری ← در جامعه اسلامی ← نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی باشد

انجام امور بر اساس دستورات الهی نه فعالیت‌های خودسرانه

«امنوا - اطیعوا - اطیعوا»

رسلاً - کتاب والمیزان - بالقسط

۴- عدالت طلبی: یکی از مهم‌ترین اهداف پیامبر

استفاده پیامبر از هر فرصتی برای ← تبعیض طبقاتی و برابری و مساوات

وصف قرآنی { نمازگزاران ← تعیین حق معین در مال برای فقیران

تکذیب کنندگان ← دور کردن یتیمان از خود

نکته: رفتار پیامبر و پیانات قرآن ← زشت شمردن فاصله طبقاتی

- ۵- خانواده و زن
- ← یکی از اهداف مهم پیامبر (ص)
 - ← عنصر اصلی آن ← احیای منزلت زن
 - ← آیاته - من انفسکم ازواجاً - موده و رحمه

نکته: آموختن اینکه منزلت زن به معنی بی بند و باری و... نیست ← الگوی تمام عیار عفاف و حیا بودن خانواده پیامبر

- ۶- علم اندوزی
- اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شده است
 - نزول تدریجی آیات قرآن + تشویق های پیامبر ← شکستن سد جاهلیت
 - پیامبر (ص): طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است
 - يعلمون - لا يعلمون - اولی الالباب

* پیامبر (ص):

- کسانی که از آتش دوزخ در امان اند ← جویندگان علم
 - پاداش شاگردی که برای تحصیل علم به خانه عالمی رفت و آمد کند در:
 - هر گام ← ثواب و پاداش عبادت یک ساله عابد
 - هر قدم ← ساخت شهر آبادی در بهشت برای او
 - هر روی زمین که راه می رود ← زمین برای او طلب مغفرت می کند
- نکته: از ویژگی های فرهنگ علمی دوره اسلامی عدم اختصاص تحصیل به طبقه یا قشری خاص بود

۷- تحول در روابط ملت ها

- ملاک روسای قبایل در ارتباط با یکدیگر قبل از اسلام
- (۱) منافع مادی (۲) به سلطه گرفتن قبایل
- رسول خدا صف بندی ها را از بین می برد ← تنها ۲ جبهه در مقابل هم هستند ← حق و باطل
- از مسلمان خواست پیوند برادری برقرار کنند.

"مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ"

۸- اعتدال در زندگی

- تلاش پیامبر (ص) بر پرورش کسانی که:
 - الف) هم از زیبایی های جهان آفرینش بهره می برند.
 - ب) هم با بندگی و راز و نیاز با خدا و پایبندی به اخلاق به تقرب الهی می رسند.
- "وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ"